

تجارت محصولات کشاورزی: مقولات و دستور کار سازمان تجارت جهانی*

لوک دوولف

ترجمه رضا حریری

(کارشناس زبان انگلیسی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

مذاکرات دور اروگوئه و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر تجارت کشورهای در حال توسعه بحث خواهد شد. شایان ذکر است که این قواعد در ارتباط با دسترسی به بازار، یارانه‌های صادراتی، حمایت داخلی و استانداردها هستند. سپس در مورد محدودیت‌های تجاری که امروزه در دنیا اعمال می‌شوند و نحوه اثرگذاری آزادسازی تجارت و نیز خطوط مذاکرات سازمان تجارت جهانی بر جریان‌های تجاری و سطح درآمد چند کشور بحث خواهد شد.

۲- موافقتنامه کشاورزی در مذاکرات دور اروگوئه

در این مذاکرات، در مقایسه با گذشته، گفت‌وگوهای بسیار صریح‌تری در مورد موافقتنامه‌های تجارت محصولات کشاورزی صورت گرفت. نه تنها یک متن ۳۰ صفحه‌ای در مورد «موافقتنامه کشاورزی» وجود داشت، بلکه علاوه بر آن، یک متن ۱۶ صفحه‌ای در باره «اجرای تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی» تهیه شده بود. افزون بر این، کشورهای عضو، دارای هزاران صفحه مطلب هستند که حاکی از توافقات حاصل شده در دور اروگوئه است. بنابراین، در حال حاضر، چارچوب کنونی تجارت فرآورده‌های کشاورزی، بسیار خاص‌تر و رسمی‌تر از آن چیزی است که پیشتر براساس موافقتنامه‌های ۱۹۴۷ گات وجود داشت. حال برای درک بهتر، موافقتنامه‌های حقوقی مختلف را مرور می‌کنیم.

الف. دسترسی به بازار

دستاورد مهم «موافقتنامه کشاورزی» آن بوده است که تعرفه‌های تثبیت شده، جانشین سهمیه‌های واردات شده است. این امر، شمار فراوان تعرفه‌های تثبیت نشده را که تا پیش از دور اروگوئه رواج داشتند، از میان برد و به کشورها اجازه داد که قیمت‌های حمایتی داخلی را در هر سطح دلخواه تعیین کنند و از طریق تدابیری همچون مالیات‌های متغیر از خود دفاع کنند. پیش از دور اروگوئه، تنها ۳۵ درصد از کل تعرفه‌ها تثبیت شده بود، ولی اکنون ۱۰۰ درصد تعرفه‌ها تثبیت شده است. این در حالی است که تنها ۸۳ درصد از خطوط تعرفه‌ای در حوزه واردات تولیدات صنعتی، تثبیت شده است. برای تسهیل گذر از دوره انتقال و حرکت به سوی اجرای کامل این تعرفه‌های تثبیت شده، «مقررات حفاظتی ویژه» به وجود آمد.

این مقاله، به دنبال بررسی قواعد تجاری مصوب موافقتنامه کشاورزی در مذاکرات دور اروگوئه و نحوه اثرگذاری آن‌ها بر تجارت میان کشورها، اثر آزادسازی تجاری بر جریان‌های تجاری و وضع اقتصادی کشورهای مختلف را با استفاده از فنون شبیه‌سازی برآورد کرده است.

۱- مقدمه

کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی، نقش و تأثیری مستقیم در شتاب بخشیدن به روند تجارت جهانی محصولات کشاورزی دارند. منافعی که آن‌ها از بابت آزادتر بودن تجارت جهانی محصولات کشاورزی کسب می‌کنند، تا حدودی به این امر بستگی دارد که آیا آن‌ها واردکننده محض هستند یا صادرکننده محض؛ این مسأله‌ای است که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد. همچنین شواهدی ارائه خواهد شد که نشان می‌دهد در مجموع، همه کشورها از آزادتر شدن تجارت جهانی سود خواهند برد.

ویژگی کلی صادرات کشورهای در حال توسعه، وجود سهم روز افزونی از صادرات محصولات و سهم نزولی از کانی‌ها و مواد غذایی در کل صادرات است. با این حال، صادرات مواد غذایی جهان بخش مهمی از تجارت در بسیاری از کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی است. این کشورها دارای مزیت نسبی در تولید مواد غذایی هستند که ریشه آن، نیروی کار کم هزینه و زمین فراوان برای کشاورزی است. صادرات مواد غذایی از کشورهای در حال توسعه از اوایل دهه ۱۹۸۰ به این سو، رشد مستمری داشته است. بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵، رشد صادرات مواد غذایی در کشورهای کم درآمد تا سطح ۱۲۰ درصد در کشورهای با درآمد متوسط به بیش از ۵۰ درصد رسید. در این میان، رشد صادرات مواد غذایی فرآوری شده - که در مقایسه با مواد غذایی فرآوری نشده از موانع تجاری بسیار متفاوتی برخوردارند - از همه سریعتر بوده است.

مذاکرات دور اروگوئه (UR) که در قالب مذاکرات سازمان تجارت جهانی (WTO) انجام شد، چارچوب موافقتنامه‌های بین‌المللی - که تجارت محصولات کشاورزی بر اساس آن‌ها صورت می‌گیرد - را تغییر داده است. در این مقاله، نخست در مورد قواعد تجاری ایجاد شده بر اساس

این مقررات، دوره زمانی طولانی تری را در اختیار کشورهای قرار می دهند تا بتوانند تغییرات را مرحله به مرحله اعمال کنند؛ به تولیدکنندگان داخلی نیز اجازه می دهند خود را با محیط رقابتی تغییر یافته تطبیق دهند. تعرفه های کشاورزی، دو مورد استثناء دارند که واقعاً بر تجارت محصولات کشاورزی تأثیر می گذارند. این دو عبارتند از: تعرفه های تثبیت شده بالا و سهمیه های تعرفه ای.

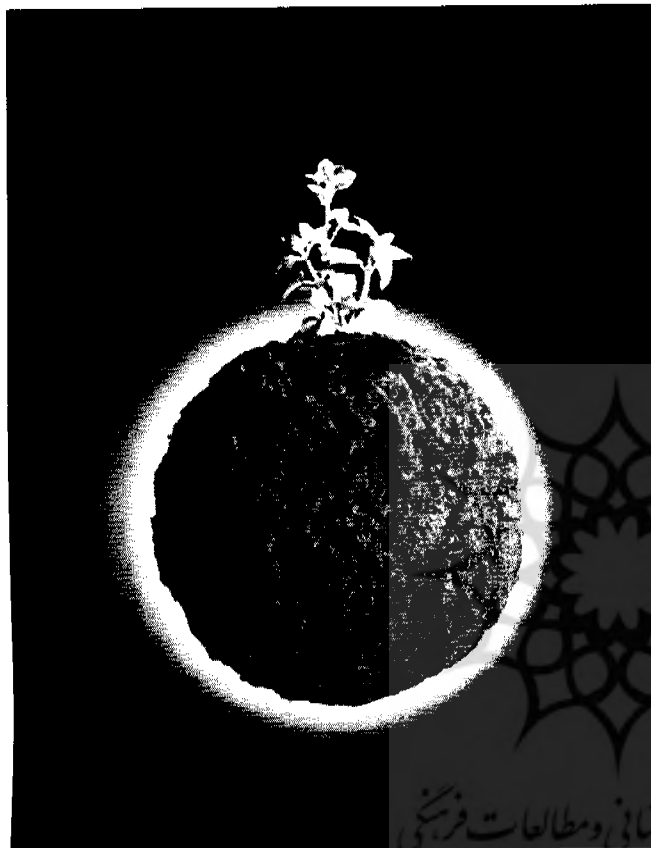
تعرفه های تثبیت شده هنوز بسیار بالا هستند؛ در واقع آن ها، در زمان هایی در سطحی تعیین شدند که بالاتر از معادل «تعرفه ارزشی» سهمیه های وارداتی بودند که جایگزین آن ها شدند. این تعرفه ها بالاتر از تعرفه های مورد استفاده در واردات محصولات کارخانه ای هستند. تعرفه واردات محصولات کارخانه ای، به طور متوسط ۳/۸ درصد است و میزان تعرفه های تثبیت شده و کاربردی تقریباً یکسان است. هیچ محاسبه مشابهی برای تعرفه های تثبیت شده در بخش کشاورزی وجود ندارد، زیرا پیچیدگی در این بخش، بسیار بیشتر از سایر بخش هاست که علت آن، وجود سطوح حداقل و حداکثر و ترکیبی از تعرفه های خاص و تعرفه ارزشی است. با این حال، جدول (۱) نشان می دهد که میزان این تعرفه ها در کشورهای منتخب عضو «سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه» بسیار بالاست.

جدول (۲) نشان می دهد که تعرفه های واردات محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه نیز بالا و در حقیقت، بالاتر از تعرفه های واردات محصولات کارخانه ای است. همچنین از جدول (۲) به روشنی می توان دریافت که میزان تعرفه ها در تجارت محصولات کشاورزی میان کشورهای در حال توسعه، بالاتر از تعرفه ها در تجارت محصولات کارخانه ای و بالاتر از تعرفه ها در تجارت میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای پردرآمد است.

با این حال، هنوز شمار بسیاری از «سهمیه های میزان (نرخ) تعرفه» وجود دارد. این سهمیه ها اجازه می دهند که برخی کالاهای وارداتی با نرخ کمتری وارد شوند و تمام کالاهای وارداتی که فراتر از این سهمیه ها هستند، نرخ بالاتری در مورد آن ها وضع می گردد. ظاهراً این سهمیه ها موجب تداوم دسترسی صادرکنندگانی به بازار می شود که پیش از دور اروگوئه، دسترسی ویژه به این بازارها داشتند. برای نمونه، اتحادیه اروپا در ازای وضع محدودیت های داوطلبانه توسط صادرکنندگان «مانیوک» تایلند، دسترسی ترجیحی به محصولات مانیوک را به تایلند اعطا کرد. به عبارت دیگر، تایلند در ازای وضع محدودیت در مورد صادرات به اتحادیه

اروپا از رانت سهمیه ای برخوردار شد. در اثر مذاکرات دور اروگوئه، تایلند از یک «سهمیه میزان تعرفه» با تعرفه پایین خاص کشوری (تایلند)، برخوردار شد که دسترسی این کشور به بازار اتحادیه اروپا در مقادیر توافق شده پیشین فراهم کرد. تعرفه تمام دیگر محصولات مانیوک وارداتی از تایلند یا هر منبع دیگر در سطح بسیار بالاتری وضع خواهد شد. لذا این سهمیه ها، این امکان را فراهم کردند که به رغم افزایش های شدید میزان تعرفه کالاها، برخی الگوهای تجاری همچنان بدون تغییر باقی بمانند.

این سهمیه ها پاسخی به تعرفه های کاربردی و تثبیت شده بسیار بالا در واردات محصولات کشاورزی هستند. در حال حاضر، ۱۳۷۱ مورد



جدول (۱) - معادل های تعرفه ای برای کالاها و کشورهای منتخب پس از دور اروگوئه

شرح	اتحادیه اروپا	ایالات متحده	ژاپن	سوئیس
شکر	۲۱۹	۱۸۴	۲۱۴	۲۴۹
کره	۱۶۳	۱۱۷	۵۵۸	۹۶۵
گوشت گاو	۱۱۱	۲۶	۵۰	۲۵۲

منبع: OECD, 1995

جدول (۲) - میانگین میزان تعرفه بر حسب منطقه واردکننده و صادرکننده

منطقه صادر کننده		منطقه وارد کننده
کشورهای پردرآمد	کشورهای در حال توسعه	
محصولات کارخانه‌ای:		
پر درآمد	۰/۰۸	۱۰/۹
در حال توسعه	۳/۴	۱۲/۸
جهان	۱/۵	۱۱/۵
محصولات کشاورزی:		
پر درآمد	۱۵/۹	۲۱/۵
در حال توسعه	۱۵/۱	۱۸/۳
جهان	۱۵/۶	۲۰/۱

منبع: Hertel Thomas and Will Martin, Paper Presented at the ABCDE Conference the World Bank in 1999

جهانی اعلام کنند. بنابراین، محدودیت روشنی در زمینه اعطای یارانه‌های صادراتی وجود دارد؛ به این صورت، فرآیند اعطای یارانه‌ها شفافیت بسیار بیشتری پیدا می‌کند و جایگزین نظامی می‌شود که در آن، کشورهای صادرکننده می‌توانستند یارانه‌های نامحدود، به منظور فروش کل مازاد کالاهای کشاورزی در بازار جهانی، ارائه کنند. گرچه اجرای این رویه از نظر سیاسی دشوار است، ولی هم اکنون قابل درک است که کشورهای صادرکننده با توجه به حوزه و حجم یارانه‌های صادراتی خود به عرصه مذاکرات وارد خواهند شد.

بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا از یارانه‌های صادراتی استفاده می‌کنند. از کل میزان یارانه‌های صادراتی اعلام شده به سازمان تجارت جهانی (۲۶ میلیارد دلار)، ۸۹ درصد آن در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۸ به اتحادیه اروپا اختصاص داشت. در این میان، سهم ایالات متحده به میزان ۱/۶ درصد و سهم نروژ در سطح ۱/۳ درصد بود. بنابراین، روشن است که مقوله یارانه‌ها در سازمان تجارت جهانی، بیشتر درباره اتحادیه اروپاست.

ج. حمایت داخلی

«موافقتنامه کشاورزی»، چهار طبقه تعریف شده روشن و صریح (به رنگ‌های سبز، کهربایی، قرمز و آبی) را در زمینه حمایت داخلی بوجود آورده است که فاقد یک عامل موازی مستقیم در صنعت هستند (به جدول ۳ نگاه کنید). چنین فرض می‌شود که تک تک کشورها وجود این یارانه‌ها را به اطلاع سازمان تجارت جهانی رسانده‌اند و باید میزان حمایت صورت گرفته از صادرکننده را اندازه‌گیری و پایبندی خود به کاهش این یارانه‌ها را - در صورت امکان - اعلام کنند. این طبقه بندی، چندان روشن نیست و یک شرط صلح را به همراه دارد که در مورد «یارانه‌های کهربایی»

سه‌میه وجود دارد که به سازمان تجارت جهانی اعلام شده است. برخی از آن‌ها الزام آور نیستند. ده درصد از آن‌ها، در میان آن‌هایی توزیع می‌شود که زودتر از بقیه آمده‌اند؛ این در حالی است که ۲۵ درصد از سه‌میه‌ها به طریقی اعطا می‌شوند که تمام متقاضیان از یک سه‌میه وارداتی نسبتاً کاهش یافته برخوردار شوند، البته به شرط آن که کل درخواست‌های واردات از حجم سه‌میه‌ها بیشتر باشد. به حراج گذاشتن این واردات که بر اساس این سه‌میه صورت گرفته، یک روش ترجیحی خواهد بود، زیرا ما به التفاوت ناشی از کمیابی محصول را از واردکننده به بودجه منتقل می‌کنیم تا دسترسی به این واردات را فراهم کند. با این حال، این روش تنها برای پنج درصد از سه‌میه‌ها بکار می‌رود. به عبارت دیگر، کشورها به واردکنندگان اجازه می‌دهند که از رانت‌های خوشایند وارداتی استفاده کنند که حاصل نظام سه‌میه هستند. سازمان تجارت جهانی به احتمال، از صمیم قلب خواهان آن است که صرفاً اعلام کند که به حراج گذاشتن این رانت‌های حاصل از سه‌میه، سیاست موجهی است و ارائه کننده رهنمودهایی در مورد نحوه برگزاری چنین حراج‌هایی است.

ب. رقابت در صادرات - یارانه‌ها

مذاکرات دور اروگوئه، مبنایی حقوقی برای اعطای یارانه‌های صادراتی به کالاهای کشاورزی فراهم کرد؛ این در حالی است که اعطای این یارانه‌ها برای صادرات محصولات تولیدی آشکارا ممنوع است. این امکان با دو شرط دیگر همراه است: نخست این که یارانه‌ها را نمی‌توان، برای صادراتی اعطا کرد که پیش از پایان دور اروگوئه از هیچ یارانه‌ای برخوردار نبوده‌اند؛ دوم این که کشورها باید محدوده‌های کمی مربوط به هر کشور و هر گروه کالایی را به طور دقیق به دبیرخانه سازمان تجارت

خواستار اعمال محدودیت‌های لازم و شایسته در زمینه آغاز مذاکرات عوارض گمرکی جبرانی، می‌شود و مادامی که حمایت (از یک کالای خاص) از میزان تصمیم‌گیری شده در سال ۱۹۹۲ فراتر نمی‌رود، آن‌ها را از دیگر چالش‌های گات معاف می‌کند.

د. ویژگی‌های کالایی

استانداردهای کالایی یا قواعد حاکم بر ویژگی‌های محصولات، نقش بسیار مهمی در عملکرد موثر کالا در بازار دارد و پشتوانه مهمی برای نظام تجارت است. برای نمونه، آزمایش‌هایی که دولت‌ها برای تعیین میزان باکتری‌ها در گوشت گاو وارداتی انجام می‌دهند و در صورت سالم بودن اقدام به صدور گواهی می‌کنند، حافظ بهداشت عمومی است؛ چنین اقدام‌هایی میزان پذیرش محصولات کشاورزی وارداتی در میان مصرف‌کنندگان را بالا می‌برد. صدور گواهی‌های استاندارد به تولیدکنندگان امکان می‌دهد که دسترسی به بازار و مقبولیت بهتری داشته باشند.

استانداردها را همچنین می‌توان به عنوان موانع تجاری غیر تعرفه‌ای بکار برد، خواه با نیت تبعیض‌آمیز باشد یا نباشد. الزامات قانونی ممکن است هزینه‌های شرکت‌های خارجی را در مقایسه با شرکت‌های داخلی بالا ببرند. حتی اگر هر دو مشمول الزامات یکسان باشند، نوعاً تمام تولیدکنندگان باید آزمایش‌های مربوطه و ارزیابی‌های انطباقی را انجام دهند تا بتوانند واجد استانداردهای بهداشتی و ایمنی شوند؛ البته، اگر صادرکنندگان ناچار باشند کالاهای خود را به استانداردهایی برسانند که با استانداردهای رایج در داخل کشورشان متفاوت باشد و نیز استانداردها در یک مقصد صادراتی با استاندارد در مقصد صادراتی دیگر تفاوت داشته باشد،

هزینه‌های آن‌ها بیشتر از هزینه‌های تولیدکنندگان داخلی خواهد بود. یک نمونه تاریخی در این زمینه، این الزام است که فرآورده‌های لبنی وارداتی به اتحادیه اروپا باید از شیر گاوهای نگهداری شده در مزارعی تولید شوند که با دستگاه دوشیده می‌شود. این قاعده به گونه‌ای موثر، مانع واردات چنین فرآورده‌هایی از بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌شود، به ویژه کشورهایی که دارای مزارع کوچک بسیاری هستند که ماشینی شدن فعالیت (مکانیزاسیون) در آن‌ها مقرون به صرفه نیست. تا محدودده‌ای که این قواعد هم در مورد تولیدکنندگان داخلی و هم در مورد واردات اعمال می‌شود، این قواعد تبعیض‌آمیز نیست و مطابق با سازمان تجارت جهانی است؛ با این حال، محدودیت در دسترسی به بازار وجود دارد. اگر کشور صادرکننده و کشور واردکننده، خواستار انجام آزمایش‌های دوباره شوند، این کار نیز بسیار پرهزینه است. اینگونه آزمایش‌ها در شرایطی درخواست می‌شوند که کشور واردکننده، آزمایش‌های انجام شده در آزمایشگاه‌های خارجی یا انجام شده در ادارات دولتی دیگر کشورها را قبول نداشته باشد یا این که احتمال رد یا قبول آن‌ها وجود داشته باشد.

اکنون که تعرفه‌ها و سهمیه‌ها و نیز یارانه‌ها و حمایت‌های داخلی از کالاهای مورد معامله به طور مشخص و روشن در مذاکرات تجارت بین‌الملل مطرح شده، به تازگی توجه بیشتری به استانداردهای کالایی به عنوان موانع تجاری بالقوه معطوف شده است. این مساله به صراحت در دوراروگوئه مورد توجه قرار گرفت و در «موافقتنامه تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی» و «موافقتنامه موانع فنی تجارت»، گنجانده شد.

چندین مقوله به طور مکرر در مباحث «موافقتنامه تدابیر بهداشتی» مطرح شدند. مرور چند مورد از آن‌ها ممکن است آموزنده باشد.

جدول (۳). قواعد مربوط به یارانه محصولات کشاورزی

تاریف رنگ سبز	یارانه‌های داخلی با حداقل میزان ایجاد انحراف در تجارت (فهرست آن‌ها در «موافقتنامه کشاورزی» آمده است)
قاعده	غیر عملی
تاریف رنگ کهربایی	یارانه‌های داخلی منحرف‌کننده تجارت (ناموجود در فهرست «موافقتنامه کشاورزی»); یارانه‌های موجود در دوره زمانی پایه
قاعده	۵۰ درصد قابل اجرا که باید کاهش یابد (به جز در مورد قاعده حداقل‌ها و برخی یارانه‌ها در کشورهای در حال توسعه)
تاریف رنگ قرمز	یارانه‌های صادراتی ناموجود در دوره زمانی پایه و یارانه‌های صادراتی
قاعده	افزون بر تعهد کشور ممنوع
تاریف رنگ آبی	یارانه‌های داخلی و برنامه‌های محدودکننده ایجاد آن‌ها
قاعده	۵۰ درصد عملی، نباید کاهش یابد

منبع: WTO

مقوله ۱: نقش علوم در تعیین ریسک و توسل به استانداردهای خاص هر کالا

گرچه ارزیابی ریسک هم اکنون از حمایت روز افزون در اعلامیه‌های کارگزاری‌های (اژانس‌های دولتی) ایمنی مواد غذایی برخوردار است، کشورهای توسعه یافته در زمینه کاربرد این روش‌شناسی در معیارهای موافقتنامه «مقررات حفاظتی ویژه» با هم تفاوت دارند.

از یک سو کشورهای نظیر ایالات متحده، استرالیا، کانادا و نیوزیلند وجود دارند که به اجرای ارزیابی ریسک و تجزیه و تحلیل هزینه - فایده پایبندند. در مواردی که وزنه و اعتبار شواهد و قرائن علمی، روشن و به خوبی پذیرفته شده است، این دیدگاه به حل و فصل اختلافات تجاری کمک می‌کند. برای نمونه، ایالات متحده مقررات فنی ژاپن را در یک مورد با موفقیت به چالش کشاند و اثبات کرد هیچ شواهد و قرائنی وجود ندارد که نشان دهد انجام آزمایش‌های پر هزینه درباره غیر عفونی بودن هر نوع (واریته) جدید از میوه‌های وارداتی به ژاپن، ضروری است.

در سوی دیگر، اتحادیه اروپا و ژاپن قرار دارند که به اصل احتیاط و پیشگیری پایبندند. بر اساس این اصل، از ورود یک کالا باید جلوگیری کرد، مگر این که ثابت شود که آن کالا مضر نیست. در اینجا نیز تا جایی که قواعد یکسان در مورد تولید داخلی اعمال می‌شود، کالاها مطابق با استانداردهای سازمان تجارت جهانی هستند؛ با این حال، فشار شدیدی را بر تجارت وارد می‌کنند. یک مثال خوب در این زمینه، مقررات ضد هورمون در مورد واردات گوشت گاو به اتحادیه اروپاست. در ایالات متحده، هورمون‌ها را می‌توان در تولید گوشت گاو بکار برد؛ «سازمان حفاظت محیط زیست» و «وزارت کشاورزی آمریکا» نیز موافقت خود را با این امر اعلام کرده‌اند. در اتحادیه اروپا، به دلیل احتیاط بسیار فراوانی که مصرف

کنندگان و نیز مقامات اتحادیه به خرج می‌دهند، امکان ورود گوشت گاو هورمونی وجود ندارد و تولید کنندگان داخلی نیز نمی‌توانند از هورمون برای پرورش دام‌های خود استفاده کنند. مثال دیگر، سیاست سختگیرانه اتحادیه اروپا در قبال واردات آن دسته از محصولات کشاورزی (غلات و بادام زمینی) است که حاوی نشانه‌هایی از «آفلاتوکسین» هستند. اتحادیه اروپا بر اساس یافته‌های علمی خود اعلام کرده است که مقررات اتحادیه در مورد آفلاتوکسین، خطرات بهداشتی را تنها به میزان مرگ حدود ۱/۴ نفر در میلیارد در هر سال کاهش می‌دهد، ولی در آمد صادراتی آفریقا به ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا به میزان ۵۹ درصد برای غلات و ۴۷ درصد برای میوه‌ها و میوه‌های مغزدار خوراکی خشک شده و نگهداری شده کاهش می‌دهد که کل ارزش آن‌ها ۷۰۰ میلیون دلار است. اتحادیه اروپا هم اکنون در حال آزمایش مقادیر بجا مانده از تمام آفت کش‌ها و حشره کش‌های مورد استفاده در تولید محصولات کشاورزی و نیز تعیین استانداردهای حداکثری است که در صورت بالاتر بودن مقادیر بجا مانده، از ورود آن‌ها جلوگیری می‌شود. البته، چند محصول انگشت شمار وجود دارد که آزمایش‌های کامل در مورد آن‌ها صورت گرفته است و اتحادیه اروپا بی هیچ نرمشی در مورد فرآورده‌های آزمایش نشده تاکید کرده است؛ به این ترتیب مانع صدور بالقوه بسیاری از کالاهای کشاورزی دیگر کشورها به اروپا شده است.

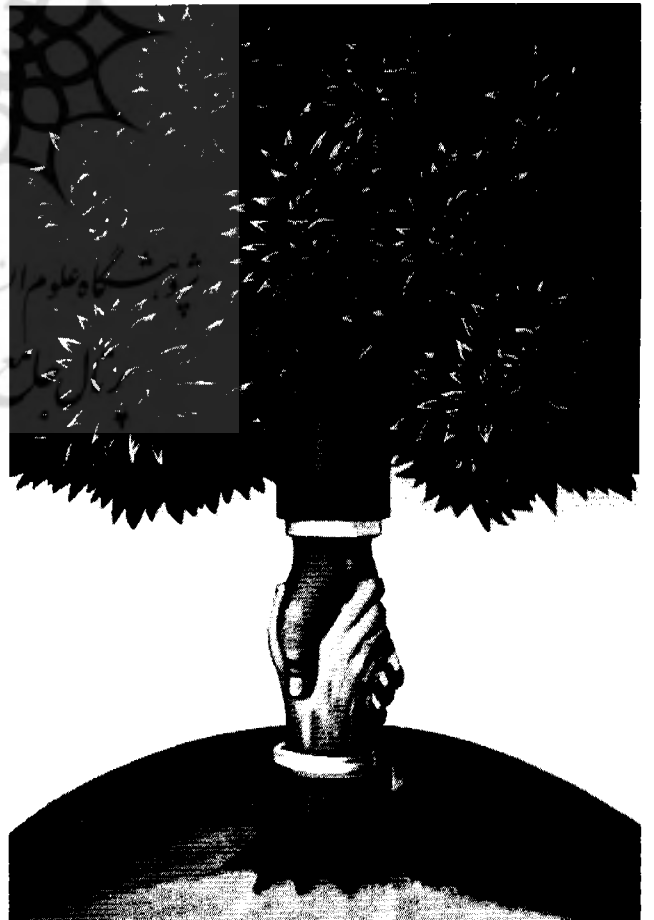
موضوع «ارگانسیم اصلاح شده ژنتیکی»

رویکردی که در مورد مقررات تجارت این محصولات وجود دارد، نشان‌دهنده وجود نگرش‌های مختلف در زمینه استانداردهای مذکور است. به علت نبود مقررات صریح بین المللی در مورد تجارت اینگونه فرآورده‌ها، هر یک از کشورها مجموعه‌ای از مقررات را بوجود آورده‌اند که عموماً دارای دوگانگی است: رویکرد مبتنی بر خطر در مقابل رویکرد پیشگیرانه. برای این که موضوعات اندکی ساده‌تر شوند، می‌توان از گونه‌شناسی استفاده کرد.

ایالات متحده، کانادا و آرژانتین، دارای سطح بالایی از توسعه در زیست فناوری (بیوتکنولوژی) کشاورزی و یا مقادیر بالایی از کاربرد تجاری ارگانسیم‌های اصلاح شده ژنتیکی در محصولات کشاورزی خود هستند. آن‌ها یا از رهنمودهای داوطلبانه و در عین حال، شفاف استفاده می‌کنند یا این که اصلاً هیچ رهنمودی را بکار نمی‌گیرند (مانند آرژانتین). در ایالات متحده این رهنمودها از سوی «سازمان غذا و دارو» صادر می‌شود. به اعتقاد این سازمان، لازم نیست که در برجسب محصولات، «اصلاح شده ژنتیکی» ذکر شود، زیرا هیچگونه شواهد و قرائنی وجود ندارد که نشان دهد غذاهای اصلاح شده تفاوت فاحشی با غذاهای تولید شده به روش‌های سنتی پرورش گیاهان دارند. دولت ایالات متحده به اصل حداقل نظارت بر محصولات غذایی پایبند است که عموماً سالم محسوب می‌شوند. «سازمان غذا و دارو» معتقد است که اعمال سیاست «هیچگونه نرمش» در مورد غذاهای بالقوه خطرناک، موجب می‌شود که غذاهای انگشت شماری بازاریابی شوند.

اتحادیه اروپا، ژاپن، استرالیا و نیوزیلند

تا پیش از ۱۹۹۹، اتحادیه اروپا ۱۰ محصول اصلاح شده ژنتیکی (شامل ذرت و سویا) را برای بازاریابی تجاری تایید کرده بود. از آن زمان به بعد، اتحادیه اروپا این فرآیند را متوقف کرده و شورای اتحادیه اروپا توصیه کرده است که هیچ محصول اصلاح شده‌ای نباید به بازار عرضه شود، مگر این که نبود اثر نامطلوب آن بر سلامت انسان و محیط زیست تایید شود. برخی پیشنهاد‌های جدید در حال بررسی و مطالعه است که



موجب آغاز دوباره فرآیند تایید چنین محصولاتی خواهد شد؛ البته، همراه با الزامات سختگیرانه در زمینه قابلیت پیگیری و مقررات برچسب گذاری نیز خواهد بود. همچنین ارزیابی مورد به مورد مخاطرات و بررسی تاثیرات زیست محیطی لازم خواهد بود؛ این در حالی است که ژن‌های مقاوم در برابر آنتی بیوتیک‌ها نیز باید تا سال ۲۰۰۸ به تدریج از میان بروند. ژاپن که چند محصول اصلاح شده را برای واردات تایید کرده بود، فرآیند صدور تاییدنامه در این زمینه را از سال ۲۰۰۱ متوقف کرده و در حال بررسی الزامات برچسب‌گذاری سختگیرانه‌تری از الزامات پیشنهاد شده در اتحادیه اروپاست.

مساله این ارگانسیم‌ها به طور بالقوه می‌تواند بر جریان‌های تجاری، نه تنها میان اتحادیه اروپا و ایالات متحده، بلکه میان کشورهای در حال توسعه، تاثیر بگذارد. این موضوع را با این حقیقت می‌توان تبیین کرد که نخستین موردی که در زمینه ارگانسیم اصلاح شده ژنتیکی در سازمان تجارت جهانی مطرح شد، مربوط به صدور کنسرو ماهی تنی بود که در روغن سویای اصلاح شده، بسته‌بندی و از تایلند به مصر صادر شده بود. موضوعی که این سازمان حتماً باید به آن بپردازد، اجرای شرط عدم تبعیض است که بر اساس آن، واردات نمی‌تواند تابع استانداردهایی متفاوت از استانداردهای داخلی کشور وارد کننده باشد.

مقوله ۴: چند کارکردی بودن کشاورزی

اتحادیه اروپا و ژاپن پیشنهاد کرده‌اند که مسائل غیرتجاری باید در موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی از جمله موافقتنامه‌های «مقررات حفاظتی ویژه» - مورد توجه قرار گیرند تا به این ترتیب به نیازهای محیط زیست، مصرف‌کنندگان و سایر نیازها پرداخته شود. لهستان و دیگر کشورهای شرق اروپا، حمایت کلی خود را از لحاظ کردن این مقولات در موافقتنامه‌های مذکور اعلام کرده‌اند. ملاحظات مربوط به رفاه حیوانات، نقش کشاورزی در میراث فرهنگی و حفظ شیوه زندگی روستایی و تنوع زیست‌شناختی (بیولوژیک)، از جمله مقولاتی هستند که در مباحثات، بیشترین اشاره‌ها به آن‌ها می‌شود. تازمانی که پذیرش مسائل غیرتجاری کانال‌های اضافی را بوجود می‌آورد که از طریق آن‌ها تجارت کالا‌های کشاورزی محدود می‌شود، صادرکنندگان کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی متضرر خواهند شد. هرچند منابع کمیابی در مباحثات و مذاکرات مفصل صرف می‌شود، آن‌ها نقش محوری در عملکرد بنیادین «موافقتنامه مقررات ویژه» در مورد مقولات اعلام شده به سازمان تجارت جهانی، ارزیابی خطر و فنون مدیریت و کاربرد استانداردهای بین‌المللی ندارند، نوعاً پیشرفت فرآیند ساختن بر اساس مبنای موافقتنامه «اس. پی. اس» را دچار تاخیر خواهند کرد. هیات نمایندگی هند، تنها هیاتی بود که این وضع را روشنتر از بقیه در سازمان تجارت جهانی بیان کرد.

مقوله ۳: نقش حمایت از مصرف کننده در برابر سودآوری از تجارت

گروه‌های طرفدار مصرف‌کنندگان، از جمله گروه‌هایی هستند که حامی افزایش اقدامات پیشگیرانه احتیاطی هستند تا کاهش آن‌ها. حضور اخیر آن‌ها در مباحثات تجاری به خوبی نشان می‌دهد که درگیری بالقوه‌ای برای ایجاد تدابیر مقررات ویژه - که حافظ سلامت انسان‌هاست - و از سوی دیگر تدابیری برای کاهش موانع تجاری به منظور افزایش رفاه مصرف‌کنندگان وجود دارد. تنش میان حمایت از مصرف‌کنندگان و منافع تجاری مصرف‌کنندگان، اقتصاد سیاسی این موانع تجاری را با سایر موانع تجاری متفاوت می‌کند نهاد «مصرف‌کننده بین‌المللی» که ائتلافی

از گروه‌های مصرف‌کننده در ۱۲۰ کشور جهان است، چنین می‌گوید: «وجود علوم معقول برای تصمیم‌گیری‌ها در مورد ایمنی [مصرف‌کنندگان] ضروری است، ولی در این تصمیم‌گیری‌ها باید عوامل غیر علمی نظیر دغدغه‌های اقتصادی، مسائل اخلاقی، آثار زیست‌محیطی و منافع مصرف‌کننده از قبل فرآیند یا محصول نیز در نظر گرفته شود». طرفداران مصرف‌کنندگان غالباً به CODEX به عنوان نظامی می‌نگرند که به طور بالقوه در پی تسخیر منافع صنایع است؛ آنان همچنین مایلند که شاهد پدیدار شدن منافع مصرف‌کنندگان در تشکیلات سازمان باشند.

مقوله ۴: استانداردهای زیست محیطی

در خلال مذاکرات تجاری سازمان تجارت جهانی در سیاتل، هیات‌های نمایندگی چند کشور و گروه‌های ذی‌نفع مختلف طی سخنانی اظهار داشتند که استانداردهای زیست محیطی باید اجرا شود تا این تضمین بوجود آید که تجارت به تخریب محیط زیست کمک نمی‌کند. این امر به گونه‌ای فزاینده موضع کارشناسان تجاری بوده است. آن‌ها می‌گویند گرچه دغدغه‌های زیست محیطی، مهم‌اند، ولی قواعد تجاری برای حفاظت از محیط زیست کافی نیست؛ حتی نکته بدتر این که چنین قواعدی می‌توانند ضد تولید نیز باشند. کشورها الویت‌های مختلفی دارند که تا حد زیادی، نشان دهنده مراحل مختلف توسعه آن‌هاست. گسست‌های تجاری میان حفاظت از محیط زیست و رشد اقتصادی در کشورهای فقیر با مورد مشابه آن در کشورهای صنعتی، متفاوت است. اگر کشورهای صنعتی امروز در حال توسعه می‌بودند، همین کار را می‌کردند. این نکته واجد اهمیت است که کشورهای در حال توسعه به نظام تجارت بین‌المللی دسترسی داشته باشند و این که سازمان‌های تخصصی، نظیر «برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد» و سازمان‌های دوجانبه به مقولات زیست محیطی بپردازند.

استدلال اساساً مشابهی را می‌توان در بحث استانداردهای کار و تجارت بکار برد، البته اهمیت این مقولات در بحث تجارت کالا‌های کارخانه‌ای بیشتر است.

مقوله ۵: کشورهای در حال توسعه و استانداردهای «موافقتنامه مقررات ویژه»

استانداردهای کالایی در عمل ممکن است به زیان کشورهای در حال توسعه‌ای باشد که قابلیت درگیر شدن آن‌ها در استانداردهای و تبعیت از استانداردها در بازارهای صادراتی، محدود است. کشورهای در حال توسعه از نظر قابلیت برای صدور گواهی‌های کارآمد و امکانات آزمایشگاهی مورد تایید، از کشورهای صنعتی عقب‌تر هستند. بعید است مقامات کشورهای صنعتی، گواهی‌های صادر شده در کشورهای در حال توسعه را بپذیرند، زیرا در اکثر موارد به رویه‌های بازرسی آن‌ها اعتماد ندارند. بنابراین، در اغلب موارد، کشورهای در حال توسعه به موافقتنامه‌های پذیرش دو جانبه دسترسی ندارند. در نتیجه، ایجاد توانمندی‌های آزمایشگاهی - کسب گواهی‌های ایزو براساس ترجیح - برای مهم‌ترین کالا‌های صادراتی، بسیار مهم است، البته، به شرط آن که بتوان بر مقوله استانداردها فائق آمد و از آزمایش‌های دوباره و مکرر پرهیز کرد. آزمایش طرف ثالثی نیز ممکن است این مساله را تا حدودی حل کند. بانک جهانی در مطالعه‌ای برآورد کرد که در برخی از کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی ممکن است کل بودجه سرمایه‌ای برای تبعیت از موافقتنامه‌های مقررات ویژه و موانع فنی تجارت سازمان تجارت جهانی مصرف شود. بسیاری از کشورهای در حال توسعه در صدد هستند از نظام «رفتار ویژه و تمایز» بخواهند به «موافقتنامه

مقررات ویژه» سازمان تجارت جهانی پایبند باشد، به ویژه با توجه به تمديد چارچوب زمانی در نظر گرفته شده برای تبعیت از برخی شروط این موافقتنامه و اصلاح و تغییر قواعد حاکم بر اعلام مقررات فنی جدید به سازمان تجارت جهانی. مطمئناً یکی از نقش‌های کمک‌های فنی با هدف‌گذاری مناسب، کمک به کشورهای در حال توسعه برای پایبندی به این موافقتنامه است. به اعتقاد بسیاری از ناظران، این امر کشورهای در حال توسعه را قادر خواهد کرد که به عرصه اقتصاد جهانی وارد شوند.

۳- چگونه اصلاحات کشورهای پردرآمد در زمینه تجارت محصولات کشاورزی بر روابط تجاری کشورهای در حال توسعه تأثیر خواهد گذاشت؟

صادرات محصولات کشاورزی بسیاری از کشورهای در حال توسعه با محدودیت همراه است که علت آن، عدم دسترسی آن‌ها به بازارهای کشورهای پردرآمد و نیز کاهش قیمت‌ها در بازارهای جهانی بر اثر اعطای یارانه‌های کشاورزی آشکار و پنهان در کشورهای پردرآمد است. بنابراین، اندازه‌گیری اثر انحراف‌های تجاری و انحراف‌های کشورهای پردرآمد در کشاورزی داخلی از نظر تجارت، رفاه و جریان‌های تجاری اقتصادهای در حال توسعه و شرکای آن‌ها جالب توجه است. با استفاده از یک «الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه»، می‌توان اثر آزادسازی تجارت بر واردات و صادرات فرآورده‌های کشاورزی و نیز اثر آن بر درآمد شرکای تجاری را شبیه‌سازی کرد. تجلی آزادسازی تجارت در حذف تمام یارانه‌های صادرات، برنامه‌های تعرفه‌ای و سهمیه میزان (نرخ) تعرفه، و یارانه‌های تولیدی و نهاده‌های موثر بر تصمیمات تولیدی در کشورهای پردرآمد است. در این بررسی به عمده محصولات کشاورزی مورد داد و ستد و طیف متنوعی از اقتصادهای پردرآمد، در حال توسعه، و در حال گذار پرداخته می‌شود.

ابتدا برخی حقایق در ارتباط با سیاست‌های کشورهای در حال توسعه در مورد محصولات کشاورزی آن‌ها و صادرات این محصولات ارائه می‌شود؛ سپس یافته‌های مهم حاصل از شبیه‌سازی‌های مذکور ارائه خواهد شد.

الف - سیاست‌های کشاورزی و تجاری در کشورهای پردرآمد: حقایق موجود

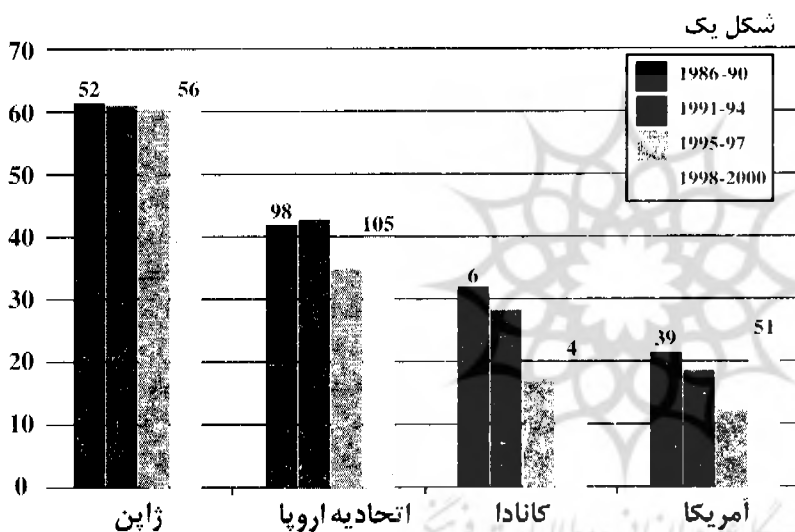
استرالیا و نیوزیلند: انحرافات کمی وجود دارد. آخرین انحراف مهم که در زمینه محصولات لبنی بود در سال ۲۰۰۰ از میان برداشته شد.

کانادا: بخش کشاورزی در کانادا نسبتاً حمایت شده است، به گونه‌ای که «برآورد صورت گرفته در مورد حمایت از تولیدکننده» در سال ۲۰۰۰ در سطح ۱۹ درصد بود؛ لیبیات که دریافت‌کننده حدود ۴۰ درصد از حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی در سال ۲۰۰۰ بود، علی‌رغم وجود سیاست حمایت از قیمت و سهمیه‌های تولیدی، شدیداً تحت حمایت قرار دارد. در سال‌های اخیر، سهمیه‌های تولید، الزام‌آور و موارد حمایت از قیمت‌ها بسیار زیاد بوده است. اجرای برنامه‌های «سهمیه میزان (نرخ) تعرفه» در مرزهای کانادا، واردات لیبیات را محدود می‌کند که علت آن، تعرفه‌های بازدارنده خارج از سهمیه است. دیگر بخش‌های تحت حمایت

عبارت‌اند از تولید دانه‌های روغنی و گوشت که در سطح بسیار پایینتری از لیبیات قرار دارند (شکل یک).

خط مشی کانادا در حال تغییر بوده و از سیاست خاص کالایی به سمت یک رویکرد محض به یارانه‌های کشاورزی براساس درآمد ایمنی حرکت کرده است. به استثنای لیبیات، قیمت‌های تولید اکثر کالاها اندکی بالاتر از قیمت‌های جهانی آن‌هاست.

اتحادیه اروپا: بخش کشاورزی در اروپا به شدت از حمایت یارانه‌ای برخوردار است و فعالان این بخش از ترکیب‌های گوناگونی از محدودیت‌های وارداتی، حمایت از قیمت، پرداخت‌های منطقه‌ای، و یارانه‌های صادراتی استفاده می‌کنند. حمایتی‌ترین صنایع عبارت‌اند از تولید شکر، لیبیات و گوشت گاو. صنایع تولید شکر و لیبیات از حمایت‌های قیمتی برخوردارند که در اثر سهمیه‌های تولیدی محدود شده‌اند، این در حالی است که محدودیت‌های وارداتی و یارانه‌های صادراتی، مکمل حمایت‌های داخلی هستند و صادرات مازاد تولید را تسهیل می‌کنند. تولیدکنندگان دام و گوشت گاو از حمایت‌های قیمتی، مبالغ اضافی براساس تعداد ثابت حیوانات، سهمیه‌های تعرفه‌ای واردات و یارانه‌های



صادراتی، و یارانه بابت انبارداری خصوصی برخوردارند. تولیدکنندگان گوشت خوک نیز همین نوع کمک‌ها و حمایت‌ها را دارند. این در حالی است که اتحادیه اروپا مقادیر قابل توجهی از گوشت گاو با کیفیت عالی را بدون اعطای یارانه صادر می‌کند. تولیدکنندگان غلات از یارانه‌های صادراتی، حمایت‌های قیمتی و پرداخت‌های منطقه‌ای برخوردارند؛ البته برای صرف نظر کردن از کاشت یک محصول و کاشت دیگری به جای آن، با یک الزام مواجه‌اند که شرط لازم برای پرداخت‌های منطقه‌ای است. تولیدکنندگان دانه‌های روغنی نیز از پرداخت‌های منطقه‌ای برخوردارند که شرط آن، صرف نظر کردن از کاشت یک محصول است، ولی قیمت مداخله‌ای برای محصول آن‌ها وجود ندارد.

به تازگی اتحادیه اروپا «سیاست کشاورزی مشترک» خود را اصلاح کرده است؛ به این صورت که از طریق حمایت از قیمت پایینتر، و در عوض اعطای پرداخت‌های جبرانی تاریخی به تولیدکننده که الزامات صرف نظر کردن از کاشت یک محصول را اعمال می‌کنند، و همچنین اعطای پرداخت‌ها به ازای هر راس دام که با سهمیه‌های ثابت تولید (دام و لیبیات) همراه است، منابع درآمدی را تغییر داده و اصلاح کرده است. هم‌اکنون پرداخت‌های منطقه‌ای به تولیدکنندگان دانه‌های روغنی به طور تصاعدی در حال

کاهش است تا میزان آن تا سال بازاریابی ۲۰۰۳-۲۰۰۲ به سطح غلات صبحانه‌ای برسد. میزان پایه برای موارد صرف نظر اجباری در سال بازاریابی ۷-۲۰۰۶، ۱۰ درصد است.

میزان یارانه‌های صادرات محصولات کشاورزی و مواد غذایی در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ به ۲/۶ میلیارد دلار رسید که بسیار کمتر از رقم ۵/۶ میلیارد اکو در سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ بود. کل میزان پرداخت‌های مستقیم در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۸ به حدود ۲۰ میلیارد یورو رسید و مجموع کمک‌های اعطا شده در قاره اروپا در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۹، بیش از ۴۶ میلیارد اکو بود.

میزان یارانه‌های اعطایی و حمایت کشورهای «افتنا» از بخش کشاورزی، حتی از موارد مشابه آن در ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا بیشتر است. آن‌ها برای رهایی از تولید مازاد، به محدودیت‌های تجاری، یارانه‌های داخلی و یارانه‌های صادراتی تکیه می‌کنند (نروژ). مجموع «برآورد صورت گرفته از حمایت از تولیدکنندگان» کشورهای ایسلند، نروژ، و سوئیس در سال ۲۰۰۰ به ترتیب در سطح ۶۳، ۶۶ و ۷۱ درصد بود.

آسیای پردرآمد: دولت کره جنوبی از پشتوانه‌هایی برای حفظ قیمت استفاده می‌کند که عوامل حفظ و تداوم آن‌ها عبارت‌اند از محدودیت‌های تجاری و محدودیت خریدهای دولت (کمتر از پنج درصد تولید برنج، سویا و ذرت) و پرداخت‌های مستقیم. محدودیت‌های تجاری، شامل سهمیه‌ای، در مورد برنج است (یک مورد معافیت در سازمان تجارت جهانی تا سال ۲۰۰۴ و وضع سهمیه‌ها در مورد اکثر کالاهای دیگر). خودکفایی همچنان یک هدف سیاستگذاران - به ویژه در بخش تولید برنج - است که علت آن، بار فرهنگی این کالا است. میزان حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی کره در سال ۲۰۰۰ در سطح ۷۳ درصد بود که بالاترین رقم در میان کشورهای «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه» بود.

هدف از سیاست‌های کشاورزی ژاپن نیز دستیابی به خودکفایی در زمینه مواد غذایی است؛ یعنی تامین داخلی [حداقل] ۴۵ درصد از کل کالری دریافتی جامعه. این سیاست بر تولید بیشتر کالاها از جمله برنج، لبنیات و گوشت تأثیر می‌گذارد. حمایت از بخش کشاورزی از طریق قیمت‌های اجرایی و خریدهای موقتی، حمایت تجاری و اعمال محدودیت‌ها برای تولید صورت می‌گیرد. دولت ژاپن، حدود ۱۰ درصد از برنج تولید شده در داخل را برای تامین «ذخایر» راهبردی (استراتژیک) خود خریداری می‌کند. سهمیه‌ها برای خرید گوشت و تمام غلات مهم از جمله برنج، اعمال می‌شوند. یک موسسه کارگزار تجاری، واردات لبنیات را کنترل می‌کند و قیمت لبنیات را زیر نظر دارد. موارد کنترل عرضه لبنیات وجود دارند که از طریق سهمیه‌های تولید اعمال می‌شدند؛ در مورد برنج کنترل‌ها از طریق گرایش اجباری به سایر محصولات اعمال می‌شوند. وقتی قیمت‌های برنج در بازار به کمتر از برخی سطوح میانگین تاریخی تنزل می‌یابد، غرامت مستقیمی به شالیکاران پرداخت می‌شود. مرتباً و به دفعات از عوارض حفاظتی ویژه استفاده می‌شود تا حمایت مرزی از صنایع غذایی مختلف افزایش یابد. همانگونه که در شکل یک نشان داده شده است، کل میزان حمایت از بخش کشاورزی ژاپن در دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۸ در سطح ۶۳ درصد برآورد شده بود. بنابر اعلام «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه» در سال ۲۰۰۱، قیمت‌های تولیدی ژاپن در سال ۲۰۰۰ حدود سه برابر قیمت‌های جهانی بودند.

ایالات متحده: این کشور، دارای هزاران سیاست است که بر بخش کشاورزی تأثیر می‌گذارد. سه ابزار مهم این کشور عبارت‌اند از: (الف) «قراردادهای انعطاف‌پذیری تولید» که حلقه اتصال پرداخت‌ها با تولید

تاریخی و زمین مورد استفاده برای کاشت محصولات قراردادی (ذرت، گندم، برنج، پنبه، سورکوم، جو، و جو دو سر) است؛ (ب) محصولات برنامه‌های (محصولات قراردادی، دانه‌های روغنی، شکر و تنباکو) از یارانه‌های قیمت تولیدی برخوردارند؛ که این یارانه‌ها به وام‌های کمک به بازاریابی و یا پرداخت‌های جبران کننده کسری قیمت پایه معروف‌اند و اساساً مابه تفاوت قیمت بازار و قیمت پایه هستند که به صورت کف قیمت عمل می‌کنند. آن‌ها منحرف کننده تولید و تجارت هستند و قیمت‌ها را در بازار جهانی به شدت کاهش می‌دهند؛ (ج) پرداخت‌های اضطراری «ضد دوره‌ای» براساس برنامه «کمک» برای جبران ضرر در بازار؛ که از سال ۱۹۹۸ در مورد محصولات قراردادی، لبنیات و سویا اعمال شده‌اند. ایالات متحده همچنین به سهمیه‌های محدودکننده (شکر، لبنیات، و بادام زمینی) و عوارض گمرکی جبرانی (بره) متکی است. در سال ۲۰۰۰، برآورد میزان حمایت از لبنیات در سطح ۵۰ درصد بود که بالاترین میزان را در میان تمام کالاهای آمریکایی به خود اختصاص داده بود. یارانه‌های صادراتی آشکار محدودی برای محصولات لبنی (۷۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۹) و نیز برای طیور وجود دارد. وجود ضمانت صادراتی نیز اعطاکننده یارانه به صادرات است که شامل ارسال در حدود سه میلیارد دلار کالا، در سال است؛ این در حالی است که کشاورزان آمریکایی از یارانه‌های بسیاری برای محصولات کشاورزی برخوردارند و درآمد آن‌ها (مقادیر بیش از یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰) بیمه شده است.

کل میزان حمایت از بخش کشاورزی آمریکا در سال ۲۰۰۰ در سطح ۲۲ درصد (میانگین «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه») بود. این حمایت‌ها در حال افزایش بوده است، و در دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۸ به ۵۱ میلیارد دلار در سال رسید (به شکل یک نگاه کنید). «شاخص حمایت از بازار محصولات کشاورزی» که سازمان تجارت جهانی از آن برای نظارت بر تمهیدات کشورها در مورد کاهش کمک‌های منحرف کننده به بخش کشاورزی استفاده می‌کند، در مقایسه با سطوح ۹۷-۱۹۹۶ افزایش چشمگیری داشته است. با صرف نظر کردن از حداقل‌ها و با در نظر گرفتن کمک اعطایی برای جبران زیان در بازاریابی به عنوان پرداخت‌های کادر کهربایی رنگ، کل شاخص AMS ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ بیش از ۲۱ میلیارد دلار بود که بالاتر از تعهد ۱۹/۱ میلیارد دلاری آمریکا به سازمان تجارت جهانی، برای سال ۲۰۰۰ است.

ب. یافته‌های شبیه سازی

پایگاه اطلاعاتی کامل نیست و برخی تغییرات در سیاست‌های تجاری روی داده که بالطبع در این تجزیه و تحلیل نادیده گرفته شده‌اند. با این حال، این نقایص سوچ بی اعتبار شدن این بررسی نمی‌شوند. در این الگو، یک طرف به صورت وضعیت معمول و دو سناریوی سیاستی در تقابل با وضعیت شبیه سازی می‌شود.

در سناریوی نخست، حذف تمام انحرافات کشاورزی در داخل کشور (یارانه‌های تولیدی، یارانه‌های نهاده‌ها، پرداخت‌های متعلقه به زمین، و پرداخت‌های متعلقه به سرمایه) و انحرافات تجاری (تعرفه‌های وارداتی و یارانه‌های صادراتی) شبیه سازی می‌شود. در سناریوی دوم، صرفاً انحراف‌های مرزی از میان می‌رود. این دو سناریو، دربرگیرنده تأثیرات آزادسازی در داخل و خارج، به صورت فردی و گروهی، هستند و باید مبین کاستی‌ها در کارایی باشند که در هر دو نوع از انحراف بازار وجود دارند.

در این شبیه‌سازی‌ها چنین فرض می‌شود که آزادسازی‌ها به صورت پله‌ای در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ مرحله بندی شده‌اند. در هر یک از این سال‌ها، یک ششم از سیاست پایه مربوطه حذف می‌شود؛ این در حالی

جدول (۴) - تاثیرات درآمد واقعی ناشی از اصلاحات کشاورزی در مناطق پردرآمد (تاثیر در سال ۲۰۱۵

در مقایسه با وضع موجود)

شرح	حذف تمام حمایت‌ها (۱۹۹۷ میلیارد دلار)	حذف حمایت‌های مرزی (۱۹۹۷ میلیارد دلار)	حذف تمام حمایت‌ها (درصد)	حذف حمایت‌های مرزی (درصد)
ایالات متحده	۵/۰۰	۴/۳	۰/۰۵	۰/۰۴
اروپای غربی	۱۷/۰۰	۲۱/۴	۰/۱۷	۰/۲۱
کشورهای پردرآمد آسیا	۲۲/۱	۲۵/۸	۰/۳۴	۰/۴۰
کانادا	۴/۲	۳/۰۰	۰/۵۵	۰/۳۹
استرالیا و نیوزیلند	۷/۷	۶/۲	۱/۲۳	۰/۹۸
آرژانتین	۳/۶	۲/۰۰	۰/۷۹	۰/۴۴
برزیل	۳/۲	۱/۸	۰/۳۲	۰/۱۷
چین	-۰/۷	۱/۵	-۰/۰۴	۰/۰۷
هند	۱/۶	۱/۱	۰/۲۳	۰/۱۶
بقیه شرق آسیا	۰/۶	۰/۵	۰/۰۷	۰/۰۶
بقیه آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۹/۲	۸/۲	۰/۷۲	۰/۶۵
اروپای شرقی و آسیای مرکزی	۳/۲	۲/۲	۰/۲۲	۰/۱۵
کشورهای جنوب صحرائی آفریقا و اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا	۱/۸	۱/۶	۰/۵۷	۰/۵۲
بقیه دنیا	۳/۶	۳/۴	۰/۲۲	۰/۲۰
کشورهای کم درآمد و دارای درآمد متوسط	۲۶/۰۰	۲۲/۳	۰/۲۷	۰/۲۳
کشورهای پردرآمد	۵۶/۱	۶۰/۶	۰/۲۰	۰/۲۱
کل جهان	۸۲/۱	۸۲/۹	۰/۲۱	۰/۲۲
گروه Cairns	۲۸/۵	۲۱/۶	۰/۵۷	۰/۴۳

جدول (۵) - تغییر بر میزان تولید بر اثر حذف کامل حمایت‌های کشاورزی در مناطق پردرآمد (درصد تغییر در سال ۲۰۱۵ نسبت به وضع موجود)

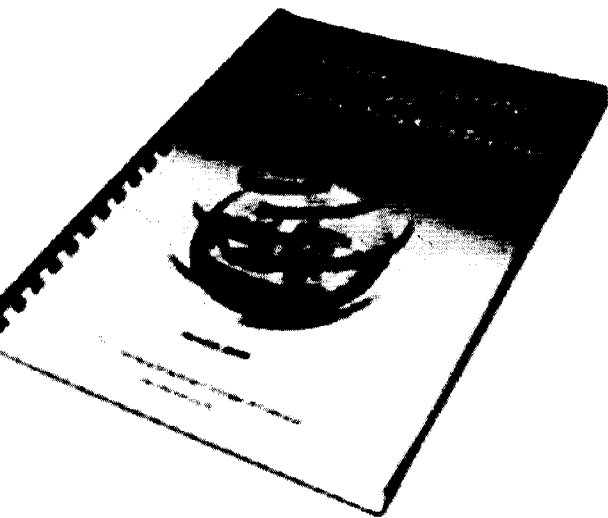
گروه	کل	کشورهای کشورهای	بقیه	کشورهای جنوب	کشورهای شرقی	بقیه	بقیه	هند	چین	برزیل	آرژانتین	استرالیا	کانادا	کشورهای	اروپای	آمریکا	محصول
	جهان	پر درآمد	آمریکا	بقیه	مصرای آفریقا	بقیه	جهان	آسیا	هند	چین	برزیل	آرژانتین	استرالیا	کانادا	پر درآمد	آمریکا	محصول
caims																	
۶/۰	-۳/۵	-۳۲/۳	۱/۹	۰/۲	-۰/۶	۰/۶	۶/۱	-۱/۴	۸/۶	۰/۹	۰/۶	-۱/۴	۱۷۸۵/۷	۰۰	-۶۳/۷	۲۳/۵	شاموک
۱۷/۹	۰/۵	-۱۵/۱	۷/۰	۸/۵	۷/۰	۲۲/۰	۲۸/۷	۲/۸	۰/۴	۳/۸	۵/۲	۳/۸	۱۲/۰	۳۳/۳	-۴۴/۰	۴/۲	گندم
۹/۰	۰/۴	-۱۳/۲	۸/۵	۸/۷	۶/۴	۱۰/۶	۱/۸	۱/۸	۰/۰	۵/۹	۲/۷	۳/۹	-۶/۴	-۰/۹	-۶۰/۸	-۰/۱	سایر غلات
۰/۹	۰/۰	-۴/۳	۱/۱	۳/۱	۱/۹	۳/۱	۰/۳	۰/۳	۰/۶	-۰/۲	۰/۱	-۵/۲	-۲/۴	-۵/۰	-۱۱/۳	۴/۶	میوه و سبزی
۹/۱	۱/۰	-۱۱/۵	۵/۱	۲/۴	۲۵/۸	۱۱/۲	۵/۰	۵/۰	۰/۳	۳/۴	۱۳/۲	-۲/۷	۱۰/۲	-۴۴/۳	-۳۱/۲	-۹/۹	دانه‌های روغنی
۶/۷	-۱/۵	-۲۲/۱	۶/۱	۳/۸	۳۶/۷	۷/۷	۱۸/۸	۲/۳	-۰/۱	۰/۶	۳/۸	۰/۴	-۲/۲	-۵۸/۶	-۴۲/۳	-۴۵/۴	شکر خام
-۳/۴	-۰/۴	-۱/۹	-۰/۲	۰/۱	-۲/۴	۰/۸	-۱/۶	۱/۷	۰/۱	۰/۴	۰/۰	-۳/۳	-۱۸/۶	۱۰۴/۰	۱۹/۱	۱/۹	الیاف گیاهی
۳/۶	-۰/۷	-۵/۱	۱/۷	۱/۳	-۰/۷	۵/۶	۴/۷	۲/۴	۰/۶	۰/۳	۲/۴	-۶/۹	۱۰/۰	-۱۲/۰	۱/۶	-۱۰/۷	سایر محصولات کشاورزی
۱۳/۷	-۱/۴	-۱۱/۰	۹/۵	۹/۷	۳/۵	۳۴/۶	۹/۳	۲/۶	۱/۴	۰/۱	۱۱/۳	۳۸/۵	۳۰/۹	-۲۷/۲	-۳۹/۸	۵/۳	گوشت گاو
۹/۳	-۰/۴	-۶/۹	۲/۹	۲/۷	-۱/۷	۵/۷	۳/۲	۰/۷	-۰/۲	-۰/۲	۴/۲	-۴/۶	-۱۴/۸	-۲/۴	-۱۵/۶	۱/۳	گوشت سایر دام‌ها
۱۳/۵	-۰/۷	-۸/۶	۵/۷	۴/۷	۲/۵	۱۲/۰	۹/۳	۴/۵	۰/۳	۰/۰	۰/۲	۱۴/۷	۷۳/۳	-۴/۹	-۱۵/۷	۱/۰	شیر خام
۲۰/۱	-۱/۴	-۱۰/۱	۱۲/۸	۱۱/۱	۳۹/۵	۱۰/۲	۹/۲	۲/۲	۱۱/۳	۰/۲	۱۲/۳	۴۰/۰	۵۷/۲	-۸/۸	-۴۶/۴	۳/۱	فرآورده‌های گوشت گاو
۱۹/۶	-۱/۱	-۱۱/۴	۱۴/۳	۱۱/۳	۱/۲	۸/۶	۴۹/۸	۸/۷		۲/۰	۳/۵	-۰/۱	۳/۷	-۲۰/۵	-۱۸/۵	۲/۲	فرآورده‌های سایر گوشت‌ها
۰/۷	-۰/۱	-۱/۲	۰/۶	۲/۶	۱/۱	۳/۸	۰/۷	۴/۱	-۰/۵	-۲/۲	۲/۴	-۵/۶	-۱/۷	۲۵/۵	-۷/۰	-۳/۲	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی
۱۵/۷	-۲/۴	-۹/۴	۱۵/۲	۱۵/۸	۱۶/۴	۴۱/۷	۹/۷	۹/۷	-۰/۳	۲/۲	۰/۴	۰/۶	۸۲/۰	-۵۰/۵	-۱۶/۱	۱/۱	محصولات لبنی
۱۱/۸	-۴/۵	-۵۲/۲	۱۳/۲	۹/۳	۷۳/۲	۸/۵	۲۶/۰	۲/۶	۴/۷	۲/۳	۵/۳	۰/۴	-۲/۲	-۵۹/۰	-۶۵/۴	-۲۵/۶	شکر تصفیه شده
-۱/۲	-۰/۱	۰/۴	-۰/۹	-۰/۷	-۱/۲	-۰/۵	-۰/۸	-۱/۷	-۳/۲	-۰/۷	-۰/۲	-۴/۰	-۱/۹	۳/۵	-۰/۷	-۰/۴	سایر غذاهای ...
۵/۸	-۰/۶	-۵/۷	۳/۴	۳/۹	۴/۰	۷/۴	۹/۱	۰/۳	۱/۳	۰/۲	۲/۹	۵/۵	۲۵/۴	-۶/۷	-۱۳/۴	۰/۷	محصولات کشاورزی

جدول (۶) - تغییر میزان واردات در اثر حذف کامل حمایت‌های کشاورزی در مناطق پردرآمد (درصد تغییر نسبت به وضع موجود در سال ۲۰۱۵)

گروه	کشورهای کم‌درآمد و متوسط	کشورهای توسعه یافته	جهان	بقیه	کشورهای جنوب	مصرهای آفریقا و SAC	اروپای شرقی و آسیای مرکزی	بقیه آمریکای لاتین و کارائیب	بقیه شرق آسیا	هند	چین	بروزیل	آرژانتین	استرالیا و نیوزیلند	کانادا	آسیای پردرآمد	اروپای غربی	آمریکا	محصول
-۷/۳	۷۸۷/۴	۱۲۴/۱	-۶/۲	-۱	-۴/۱	-۲	-۱۰	-۱/۵	-۶/۱	۰	۰	۰	۰	۰	۶۵۸/۰	۵۵/۷	۱۰۱/۵	شلتوک	
-۳/۰	۲۵/۱	۸۹/۱	-۱۲/۰	-۱۲/۱	-۱۸/۶	۰	-۸	-۱/۵	-۸/۲	-۱۷	-۱۷	-۸/۲	۰	۲۵۹/۸	۱۴/۰	۱۳/۱۶	۳۳/۱	گندم	
-۷/۸	۱۸۷/۷	۴۲/۷	-۱۱/۶	-۱۲/۱	-۰/۱	۱	-۳	-۱۹/۴	-۱۱/۱	-۱۸	-۱۸	-۱۱/۱	۰	۱۸/۵	-۱۳/۹	۱۳۳/۵	۱۶/۸	سایر غلات	
۰/۷	۱۰/۵	۱۴/۷	-۱/۲	۰	۴/۳	۰	۳	-۲/۴	-۵/۵	-۴	-۴	-۵/۵	۳/۹	۱۰/۲	۳۹/۳	۱۲/۱	۲/۷	میوه و سبزی	
-۲/۱	۱۳/۴	۲۵/۳	-۴/۳	-۳	۳/۶	۳	۰	-۲/۲	-۲/۴	-۷	-۷	-۱/۷	-۴/۵	-۵/۵	۴۰/۵	۱۷/۱	۶۲/۴	دانه‌های روغنی	
۰	-۴۲/۳	-۴۳/۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۲۳/۳	۰	شکر خام	
-۱/۳	-۱/۱	۱/۳	-۱/۷	۰	-۰/۸	۰	۳	-۳/۱	-۰/۳	-۲	-۲	-۰/۳	۰	-۰/۶	۰/۸	۱/۸	-۳/۰	الیاف گیاهی	
۵/۰	۵/۴	۶/۲	۲/۱	۱	۱/۳	۴	۶	-۱/۹	-۰/۴	۰	۰	۳/۸	۲۷/۸	۱/۹	۹/۰	-۱/۷	۲۷/۱	سایر محصولات	
-۱/۳	۷۱/۶	۹۲/۰	-۵/۷	-۴	۵/۰	-۳	۱	-۱۵/۶	۵/۸	۰	۰	۵۵/۱	۳۳/۹	۶/۴	۳۰۵/۱	۱۹۹/۰	۱۱/۴	گوشت گاو، گوسفند و غیره	
۲۲/۰	-۳/۸	-۵/۵	۰/۶	۲	۳/۴	۴	۳۶	-۳/۰	-۱/۳	-۵	-۵	۵/۰	۱۳/۱	۵۲/۲	-۱۹/۹	-۰/۲	-۰/۶	گوشت سایر دام‌ها	
۰	-۱۶/۰	-۱۶/۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۵۱/۸	-۱۲/۹	۱۸/۹	شیر خام	
-۰/۹	-۰/۶	-۰/۴	-۱/۱	-۱	-۰/۳	۰	-۲	-۱/۰	-۰/۶	-۱	-۱	-۰/۴	۳/۲	۱/۱	۰/۲	۰	۰	-۱/۳	سوغت‌های فیلی
۰	-۱/۵	-۱/۶	-۱/۳	۰	۲/۷	۰	۱	-۱/۳	۱/۰	-۲	-۲	۳/۱	۳/۲	-۰/۸	-۱/۵	-۱/۷	-۱/۵	سایر منابع طبیعی	
۲/۴	۷۱/۸	۱۰۲/۰	-۸/۶	-۱۳/۴	-۱۱/۷	-۱۳/۴	-۲	-۳/۲	-۴/۲	-۳	-۳	۹/۲	۸/۷	۳۲/۸	۲۱/۹	۱۷۶/۱	۱۶/۵	فراورده‌های گوشت گاو	
۲۷/۰	۴۶/۸	۶/۴	-۱/۰	۰	-۳/۹	۰	۴	-۳/۷	۶/۷	-۴	-۴	۷/۷	۱۳/۹	۱۷۲/۴	۵۹/۶	۷۳/۶	۶/۵	سایر محصولات گوشتی	
۱/۶	۳/۷	۸/۴	۲/۱	۳	۱۷/۶	۱	-۱	۱/۱	-۱/۳	۲	۲	۴/۳	۱۲/۷	۱۲/۷	-۲۴/۹	۱۴/۷	۱۵/۲	روغن ماه‌چربی‌های گیاهی	
۲۰/۱	۴۴/۵	۷۴/۶	-۱۲/۵	-۱۱/۷	-۲/۹	-۵/۸	-۱۳	-۸/۳	-۶/۷	-۱۴	-۱۴	۴/۰	۱۶/۰	۷۹/۶	۲۳۵/۷	۳۹/۳	۹۷/۴	محصولات لبنی	
-۰/۵	۶۲/۹	۱۳۹/۷	-۳/۶	-۷	-۲/۸	-۱	۱	-۲/۳	-۳/۹	-۲	-۲	۷/۹	۰/۴	-۰/۴	۱۱۴/۱	۱۶۳/۷	۱۳۳/۰	شکر تصفیه شده	
۳/۰	-۳/۴	-۵/۸	۲/۹	۲	۵/۱	۳	۳	۲/۴	۱/۴	۱	۱	۸/۱	۹/۵	-۰/۸	-۱۶/۴	-۳/۳	۰/۵	سایر غذاهای فرآوری شده	
۲/۰	۰/۳	-۰/۱	۱/۲	۰	۲/۲	۰	۲	۰/۱	۳/۳	۰	۰	۸/۱	۳/۰	۰/۴	-۰/۶	-۰/۱	-۰/۲	شامل نوشابه‌ها و نیباکو	
۲/۲	۰/۵	-۰/۱	۱/۶	۱	۳/۵	۱	۲	۰/۲	۳/۹	۰	۰	۷/۱	۵/۳	۰/۶	-۰/۹	-۰/۳	۰/۴	منسوجات، پوشاک و چرم	
۱/۱	۰/۳	۰/۱	۰/۹	۰	۱/۸	۱	۱	۰/۱	۱/۴	۰	۰	۵/۳	۳/۶	۰/۲	-۰/۲	۰/۱	۰/۱	مراشه‌های پلیاستیک	
۱/۲	۰/۱	-۰/۱	۰/۵	۰	۰/۷	۰	۱	۰/۹	۱/۸	۰	۰	۳/۱	۰	۰/۲	۰/۱	-۰/۲	۰/۲	سایر تولیدات صنعتی	
۱/۳	۰	-۰/۳	۱/۰	۰	۱/۷	۱	۲	۰/۶	۲/۱	۰	۰	۴/۹	۵/۲	۱/۲	۰	-۰/۵	۰/۴	برق و گاز	
۲/۹	۰/۱	-۰/۶	۱/۹	۱	۳/۶	۱	۴	۰/۳	۳/۰	۰	۰	۸/۶	۸/۲	۱/۲	-۰/۹	-۱/۴	۰/۵	ساختار	
-۰/۱	۱۶/۴	۲۶/۲	-۳/۸	-۶	-۶/۸	۱	۱	-۴/۳	-۴/۱	-۶	-۶	۲/۹	۲/۸	۷/۳	۵۱/۵	۲۱/۰	۱۵/۹	کشاورزی	
۶/۱	۱۴/۲	۲۱/۶	۰	۰	۱/۸	۰	۰	-۱/۱	-۰/۸	۰	۰	۷/۶	۱۰/۳	۲۹/۷	۹/۵	۲۸/۵	۱۳/۲	غذاهای فرآوری شده	
۱/۲	۰/۳	۰	۰/۹	۰	۲/۰	۰	۱	۰/۱	۲/۶	۰	۰	۳/۷	۰/۲	۰/۲	-۰/۴	۰/۰	۰/۰	تولیدات صنعتی	
۲/۹	۰/۱	-۰/۶	۱/۹	۱	۳/۶	۱	۴	۰/۳	۲/۰	۰	۰	۸/۶	۸/۲	۱/۲	-۰/۹	-۱/۴	۰/۵	خدمات	
۱/۶	۱/۲	۱/۳	۰/۹	۰	۲/۴	۰	۱	۰	۲/۵	۰	۰	۶/۲	۴/۹	۱/۲	۱/۳	۱/۵	۰/۶	۰/۶	جمع
۳/۶	۱۵/۱	۲۳/۴	-۱/۴	-۲	۰	۰	۰	-۲/۱	-۲/۷	-۳	-۳	۶/۱	۱۲/۷	۲۲/۰	۲۲/۹	۲۵/۴	۱۴/۴	۱۴/۴	کشاورزی، ماهی‌پروری و ماهی‌پروری

جدول (۷) - تغییر میزان صادرات در اثر حذف کامل حمایت‌های کشاورزی در مناطق پردرآمد (درصد تغییر نسبت به وضع موجود در سال ۲۰۱۵)

کل جهان	پر درآمد	کم درآمد	کم درآمد آمریکا	بقیه جهان جنوب صحرائی آفریقا	کشورهای جنوب شرقی آسیا	بقیه جهان	بقیه آسیا	هند	چین	برزیل	آرژانتین	استرالیا	کانادا	کشورهای پردرآمد	اروپای غربی	آمریکا	محصول
۸۰۴/۱	۲۹۱۹/۴	۲۸۲/۶	۵۲/۱	۳۸/۰	۳۱/۹	۳۹۸/۰	۵۷۷۶/۸	۰	۰	۰	۰	۸۲۶۸/۵	۰	۰	-۹۲/۳	۲۵۳۳/۵	شلتوک
۲۵/۶	۱۳/۴	۶۰/۱	۱۲۵/۹	۶۷/۴	۳۳/۴	۲۴/۵	۶۷۸/۸	۳۵/۶	۶/۸	۱۲/۴	۵۵/۵	۰	۰	۰	-۴/۵	۱۳	گندم
۲۰/۰	۲۴/۹	۸۹/۱	۱۲۱/۵	۱۳۶/۱	-۱۶/۴	۰	۳۳۸/۱	۲۸/۳	۲۶/۳	-۱۹/۴	۲/۰	۰	۰	۰	-۸۶/۷	-۱۲	سایر غلات
۱۰/۲	۷/۲	۱۱/۳	۲۰/۹	۶/۳	۸/۹	۱۲/۴	۳۴/۷	۱۲/۸	-۴/۳	-۱۵/۶	۸/۱	۱۳۳/۹	۰	۰	-۱۰/۱	۳۱	میوه و سبزی
۳/۴	-۸/۴	۳/۳	۵/۲	۱۸/۲	-۲/۵	۱۲/۹	۶۰/۵	۳۵/۱	-۱/۵	۳۳/۲	۵۴/۵	-۷۷/۰	۰	۰	-۵۱/۳	-۱۵	دانه‌های روغنی
-۴۳/۳	-۴۳/۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۳۳/۳	۰	شکر خام
-۱/۸	-۱/۰	-۱/۱	۰/۵	-۳/۰	-۶/۱	۱/۲	۰	-۱/۰	-۱۱/۱	-۳۳/۲	۰	۱۳۸/۳	۰	۰	۲۰/۰	۴	الیاف گیاهی
۵/۴	۱۷/۳	۳/۷	۲/۱	۱۳/۱	۶/۳	۴/۱	۹/۹	۵/۰	-۱۴/۳	-۲۱/۷	-۳/۵	۷۳/۵	۰	۰	۲۰/۰	۱۵	سایر محصولات
۷۰/۰	۲/۶	۱۸۰/۸	۲۹۵/۲	۲۹۵/۰	۱۶/۸	۰	۲۱۲/۰	۳۳/۵	-۶/۲	-۱۲/۶	۲۰/۸	۱۰۶۹/۵	۰	۰	-۷۷/۲	۲۱۲	گوشت گاو/گوسفند و غیره
-۳/۷	-۵/۷	-۱/۵	۷/۲	-۲۴/۰	-۷/۳	-۲۱/۲	-۵/۱	۳۳/۵	-۲۵/۲	-۱۶/۵	۵۷/۰	۵۷/۰	۰	۰	-۴/۶	-۱	گوشت سایر دام‌ها
-۱۶/۰	-۲۲/۱	-۱۵/۶	-۱۶/۲	۱/۷	۰	-۱۱/۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	-۲۲/۱	۰	شیر خام
-۱/۰	۱/۳	-۱/۱	-۰/۳	-۰/۷	-۳/۷	-۱/۶	۳/۱	-۵/۸	-۱۰/۸	-۸/۲	۱/۶	۳/۶	۰	۰	۳/۹	۱	ساخت‌های فیسلی
-۱/۵	-۱/۴	-۱/۵	-۱/۱	-۱/۵	-۵/۰	۲/۵	۱/۷	-۵/۲	-۱۳/۸	-۱۰/۸	۰/۸	۵/۰	۰	۰	۴/۹	۱	سایر منابع طبیعی
۶۸/۹	۲۱/۴	۲۰/۹	۵۰۰/۳	۱۱۸/۸	۱۶۸/۰	۵۷/۳	-۳/۶	۳۸۷/۹	۳۳۱/۷	۱۰۶/۶	۷۷/۰	۱۹۶/۴	۰	۰	-۸۷/۵	۲۷	فرآورده‌های گوشت گاو
۴۷/۹	-۷/۵	۱۶۶/۵	۲۷۵/۷	۴۸/۶	۴۵/۷	۱۲۴/۲	۶۵/۳	۱۷/۲	۲/۸	۳۰/۶	۵۰/۲	۱۸۸/۰	۰	۰	-۳۳/۴	۲۷	سایر محصولات گوشتی
۴/۵	۷/۸	۲/۹	۲۸/۹	۳۱/۹	۱۰/۱	۱/۷	-۲/۴	۴/۷	-۶/۵	-۳۳/۶	۱/۸	۲۴۷/۲	۰	۰	-۱۰/۳	-۴	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی
۴۳/۸	۱۳/۶	۳۱۵/۱	۳۱۰/۶	۵۵۲/۱	۱۸۰/۰	۲۲/۱	-۳۳/۶	۰	۱۳/۴	۱۴۶/۲	۳۱۱/۸	۳۹۶/۸	۰	۰	-۴۶/۸	۱۵۰	محصولات لبنی
۶۱/۵	-۵۶/۴	۸۱/۵	۱۶۵/۹	۲۴/۴	۹۱/۷	۱۳/۶	۲۰/۲	۱۹/۵	۶۰/۳	-۱۰/۴	۱۵۲/۷	۸۲/۳	۰	۰	-۹۲/۶	۲۱۲	شکر تصفیه شده
-۳/۳	۱/۵	-۱۰/۴	-۹/۳	-۷/۸	-۱۲/۱	-۹/۰	-۷/۸	-۱۰/۰	-۱۹/۱	-۲۳/۴	-۴/۳	۴۰/۸	۰	۰	۲/۷	-۷	سایر غذاهای فرآوری شده
																	شامل نوشابه‌ها و تنباکو
۰/۳	۳/۰	-۱/۸	-۳/۴	-۷/۱	-۳/۶	-۶/۷	۰/۵	-۳/۴	-۱۵/۹	-۱۵/۱	-۰/۸	۲/۹	۰	۰	۴/۰	۱	منسوجات، پوشاک و چرم
۰/۵	۱/۵	-۲/۹	-۳/۴	-۶/۰	-۶/۴	-۱/۲	-۳/۶	-۱/۱	-۶/۰	-۱۳/۵	-۱/۵	۱/۹	۰	۰	۲/۵	۰	مواد شیمیایی، پلاستیک‌ها و لاستیک
۰/۳	۱/۱	-۲/۲	-۲/۷	-۵/۹	-۳/۴	-۵/۶	-۰/۲	-۲/۸	-۰/۴	-۱۱/۲	-۱/۰	۱/۲	۰	۰	۲/۳	۰	سایر تولیدات صنعتی
۰/۱	۱/۱	-۱/۱	-۱/۰	-۱/۸	-۰/۸	-۲/۴	۰/۱	۰	۰	-۶/۴	-۰/۲	۰/۹	۰	۰	۱/۴	۰	برق و گاز
۰	۰/۶	-۲/۲	-۱/۷	-۳/۵	-۲/۵	-۴/۴	-۱/۹	-۱/۹	-۴/۳	-۸/۵	-۷/۹	۰	۰	۰	۱/۸	-۱	ساخت‌ها
۰/۴	۱/۶	-۲/۷	-۲/۶	-۵/۸	-۲/۵	-۷/۳	-۰/۶	-۶/۷	-۱۳/۹	-۱۳/۰	-۱/۴	۲/۳	۰	۰	۳/۳	۰	سایر خدمات
۱۶/۹	۱۲/۶	۱۹/۲	۳۰/۳	۵/۲	۱۱/۰	۲/۷	۹۲/۸	۱۹/۰	۱۲/۹	۳۳/۹	۳۱/۰	۹۷/۴	۰	۰	-۲۱/۵	۲۴	کشاورزی
۱۴/۰	۳/۵	۲۸/۵	۳۴/۸	۶۲/۶	۶۲/۷	۰/۲	-۵/۶	۱۸/۵	۲۷/۲	۷۶/۹	۲۷/۷	۸۰/۵	۰	۰	-۱۳/۰	۸	غذاهای فرآوری شده
۰/۳	۱/۳	-۲/۰	-۱/۹	-۳/۱	-۵/۴	۰/۰	-۳/۰	-۵/۶	-۱۲/۴	-۱۱/۱	-۰/۸	۱/۴	۰	۰	۲/۴	۰	تولیدات صنعتی
۰/۴	۱/۶	-۲/۷	-۲/۶	-۲/۵	-۷/۳	-۰/۳	-۱/۵	-۶/۷	-۱۳/۹	-۱۳/۰	-۱/۴	۲/۳	۰	۰	۲/۳	۰	خدمات
۱/۲	۱/۵	۰/۵	۰/۴	۱/۹	۰/۳	۱/۰	-۰/۲	۲/۴	۴/۳	۰/۶	۰/۸	۲/۱	۰	۰	۱/۹	۰	جمع
۱۵/۱	۶/۱	۳۳/۸	۳۶/۱	۳۵/۲	۳۱/۰	۰/۶	۱۵/۳	۱۸/۸	۲۱/۸	۵۷/۹	۲۹/۵	۸۲/۳	۰	۰	-۱۴/۲	۱۶	کشاورزی و مواد غذایی



است که نتایج شبیه‌سازی‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۴ یکسان است. به‌لگوا اجازه داده می‌شود که به مدت پنج سال، پس از سال پایانی مرحله‌بندی، بلااستفاده باقی بماند. موارد کاستن از این سیاست، صرفاً در مناطق پر درآمدی اجرا می‌شود که عبارت‌اند از استرالیا و نیوزیلند، کانادا، اتحادیه اروپا و افتاء، کشورهای پر درآمد آسیا، و ایالات متحده. در مورد تعرفه‌ها، صرفاً از تعرفه‌های مثبت کاسته می‌شود، در مورد تمام دیگر ابزارها، صرفاً در صورت منفی بودن - یعنی در صورتی که به عنوان یارانه‌ها عمل کنند - از آن‌ها کاسته می‌شود.

یافته ۱: آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی، درآمد تمام کشورها را بالا می‌برد

جدول ۴: در ستون نخست، مجموع تغییرات درآمد در سال ۱۹۹۷ برحسب میلیارد دلار ارائه شده که اندازه‌گیری آن‌ها براساس میزان تغییر در عملکرد هزینه‌ها در خط پایه و قیمت‌های پس از ضربه (شوک) است. در ستون دوم، سطوح تغییرات درآمد به عنوان درصدی از هزینه‌های وضعیت پایه نشان داده شده است. همانگونه که در الگوهای رشد نئوکلاسیک معمول است، محدودیت منابع، امکان تغییر در احتمالات تولید را محدود می‌کند. هم در آزادسازی داخلی و هم در آزادسازی بین‌المللی تجارت محصولات کشاورزی، به استثنای چین، درآمد تمام کشورها افزایش پیدا می‌کند. براساس روندهای کنونی، چین تا سال ۲۰۱۵ با برخی تنگناها در زمینه عرضه محصولات کشاورزی روبه‌رو خواهد بود و وابستگی آن به واردات مواد غذایی، اندکی بیشتر خواهد شد.

بدیهی است که از میان بردن انحرافات قیمت، موجب کارایی بیشتر اقتصادهای مورد بررسی خواهد شد و نتیجه آن، افزایش تولید در تقریباً تمام این کشورها است. به طور خاص، در اثر تغییر قیمت‌های نسبی که در واکنش به حذف انحرافات قیمت ترجیحی در بخش کشاورزی روی می‌دهد، میزان بازده عامل تولید در این بخش به طور چشمگیری تعدیل می‌شود و منابع به سمت سایر فعالیت‌ها سوق داده می‌شوند. در همین حال، حذف پشتوانه‌ها موجب از میان رفتن بار مالی ناشی از اعطای یارانه‌ها در نظام قیمت‌گذاری بین‌المللی می‌شود. برای مثال، قیمت‌های کشاورزی در کشورهای عضو «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه» باید افزایش یابد تا ضرر ناشی از حمایت‌های دولتی جبران شود. این امر، میزان سود کشاورزان برخوردار از حمایت‌های پایینتر از سطوح قبلی را، در مقایسه با کشاورزان کشورهای در حال توسعه که از هیچ حمایتی برخوردار نیستند، بیشتر افزایش خواهد داد.

یافته ۲: آزادسازی تجارت به تعدیل‌های گسترده در تولید بخش‌های مختلف می‌انجامد

داده‌های تفصیلی این شبیه‌سازی‌ها نشان می‌دهد که تولید در بخش‌های مختلف می‌تواند چشمگیر باشد (جدول ۵). تولید برنج از افزایش چشمگیری در ایالات متحده (۴۷۳ درصد) و در استرالیا - نیوزیلند (۱۲۸۵ درصد) برخوردار است، البته از یک مبنای پایین؛ حذف حمایت‌های موقتی از کاشت برنج در ژاپن و سایر کشورهای پر درآمد آسیا، موجب بروز واکنش‌های شدید از سوی رقبای این کشورها می‌شود. همانگونه که منتظر می‌توان انتظار داشت، تولید شکر (خام و تصفیه شده) برخوردار از یارانه‌های فراوان، به شدت در ایالات متحده و اتحادیه اروپا در حال کاهش است که بیشترین منافع حاصل از این کار، نصیب کشاورزان آمریکای لاتین می‌شود.

با این حال، اختلافات و نابرابری‌های مهمی - به ویژه در تولید غلات

و گوشت - در میان ایالات متحده و اروپای غربی روی می‌دهد. تولید گندم در اروپا از حمایت‌های پیشاپیش برخوردار است که به گونه‌ای چشمگیر بالاتر است؛ در نتیجه آزادسازی تجارت غلات به کاهش شدید تولید آن در اروپای غربی می‌انجامد که این کاهش بیشتر در اثر افزایش تولید در ایالات متحده و سایر نقاط جبران می‌شود. همین قضیه در مورد گوشت گاو، گوشت سایر حیوانات، و محصولات لبنی نیز صادق است و تولید آن‌ها در اروپای غربی در مقایسه با مناطق رقابتی‌تر در حال کاهش است.

تأثیرات مشابه و در عین حال چشمگیری در کشورهای پر درآمد آسیا روی می‌دهد. تولید برنج در حدود $\frac{2}{3}$ کاهش می‌یابد، ولی تولید گندم به میزان بیش از $\frac{2}{3}$ و تولید گوشت در حدود $\frac{1}{3}$ کاهش می‌یابد. ذینفع‌های اصلی این جابه‌جایی در بازار، کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط و گروه **carins** هستند.

در مجموع، تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی در اروپای غربی و کشورهای پر درآمد آسیا به شدت کاهش یافته است (به آخرین ردیف جدول ۵ نگاه کنید)؛ این کاهش در اثر افزایش تولید در ایالات متحده، استرالیا، نیوزیلند و شمار بسیاری از کشورهای کم درآمد آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا جبران می‌شود. در واقع، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این نتایج، توزیع مجدد میان کشاورزان کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در گروه قبلی و کشاورزان کشورهای فقیر است. بنابراین، به نظر می‌رسد که مالیات دهندگان ثروتمند در حال کاستن از درآمد فقرای روستایی در سراسر جهان در حال توسعه هستند. به نظر می‌رسد حمایت‌های اروپای غربی، حمایت از بخش کشاورزی را به گونه‌ای مصنوعی در سطح بالا حفظ کرده باشد، ولی حمایت‌های ایالات متحده واقعاً بخش کشاورزی را در مقایسه با چند جانبه‌گرایی آزاد سرکوب کرده است. اگر تمام حمایت‌ها به صورت چند جانبه از میان برود، کل تولید کشاورزی ایالات متحده از سال ۲۰۱۵ به بعد به میزان ۰/۷ درصد در سال افزایش خواهد یافت. با توجه به بار مالی عظیمی که لازمه این کار است، ایالات متحده باید به گونه‌ای عقلایی طرف کشورهای در حال توسعه را در مذاکرات دور دوچه بگیرد.

در نهایت این که در ستون‌های انتهایی جدول (۵) به کل اثر تولید بخش کشاورزی در محاسبات منطقه‌ای توجه کنید. در اینجا دوباره ماهیت تصاعدی توزیع درآمد ضمنی، فوراً خودنمایی می‌کند. براساس این نتایج، رژیم حاکم در حمایت‌های اعطایی به بخش کشاورزی در جهان در حال سرکوب تولید و درآمد در بیشتر قاره‌های کم درآمد از جمله آفریقا، آمریکای لاتین، اروپای شرقی و آسیاست. این روند به گونه ویژه‌ای دوپهلوست، زیرا

بودجه‌های اختصاص داده شده برای حمایت‌ها بسیار بیشتر از بودجه‌های اختصاص داده شده برای کمک‌های توسعه‌ای است که خودشان را در مسیر مخالف تحمل می‌کنند.
یافته ۳: جریان‌های جهانی واردات و صادرات، تا حد زیادی تحت تأثیر خواهد بود

جدول (۶) و (۷)، در بردارنده یافته‌هایی در مورد نحوه تأثیرگذاری صادرات و واردات از آزادسازی تجارت هستند. برای مثال، توجه کنید که صادرات جهانی برنج به میزان ۸۰۰ درصد افزایش یافته است. تجارت

فرآورده‌های گوشت گاو افزایش چشمگیری داشته است (۷۰ درصد در مورد گوشت گاو، ۶۹ درصد در مورد گوشت گوساله، ۴۸ درصد در مورد سایر گوشت‌ها). به رغم افزایش تولید دام در کشورهای مهم تولیدکننده غلات (آرژانتین، ایالات متحده و استرالیا)، تجارت جهانی غلات از افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصدی برخوردار بوده است. واردات گوشت و غلات به اتحادیه اروپا رشد فراوانی داشته است (۱۳۰ درصد برای گندم و غلات زبر، ۱۲۹ درصد برای گوشت گاو و ۱۷۶ درصد برای گوشت گوساله)؛ این در حالی است که صادرات همین کالاها کاهش داشته است (۸۷- و ۹۴- درصد برای غلات

جدول (۸) - تغییرات در قیمت‌های جهانی (درصد تغییر نسبت به وضع موجود در سال ۲۰۱۵)

شرح	حذف تمام حمایت‌ها	حذف حمایت‌های مرزی
شلتوک	۵/۵	۴/۱
گندم	۱۲/۰۰	۱/۹
سایر غلات صبحانه	۱۴/۵	۲/۷
میوه و سبزی	۰/۳	۰/۱
دانه‌های روغنی	۸/۱	۱/۰۰
شکر خام	-۱/۷	-۲/۲
الیاف گیاهی	۱/۸	۱/۴
سایر محصولات	۰/۹	-۰/۶
گوشت گاو، گوسفند و غیره	۱۸/۲	-۰/۵
گوشت سایر دام‌ها	۲/۲	-۰/۹
شیر خام	۲/۴	۰/۱
محصولات گوشت گاو	۱۰/۴	۱/۹
سایر محصولات گوشتی	۱/۷	-۰/۹
روغن‌ها و چربی‌های گیاهی	۲/۲	-۰/۲
محصولات لبنی	۸/۳	۵/۹
شکر تصفیه شده	۹/۰۰	۸/۴
سایر غذاهای فرآوری شده		
شامل نوشابه‌ها و تنباکو	-۰/۲	-۱/۰۰
کشاورزی (میانگین وزنی)	۴/۳	۰/۷
غذاهای فرآوری شده (میانگین وزنی)	۲/۱	۰/۳

جدول (۹) - اثر اصلاحات کشاورزی در مناطق پردرآمد بر ارزش افزوده اسمی مناطق

روستایی (اثر در سال ۲۰۱۵ در مقایسه با وضع موجود)

درصد		میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷		شرح
حذف	حذف تمام	حذف	حذف تمام	
حمایت‌های مرزی	حمایت‌ها	حمایت‌های مرزی	حمایت‌ها	
-۱۸/۶	-۱۵/۵	-۳۴/۴	-۲۸/۸	اروپای غربی
۶/۶	۴/۸	۷/۶	۵/۵	ایالات متحده
-۳۷/۲	-۳۶/۶	-۳۵/۰۰	-۳۴/۴	آسیای پردرآمد
۱۱/۱	۱۵/۴	۱/۵	۲/۱	کانادا
۳۴/۹	۴۱/۵	۶/۶	۷/۸	استرالیا و نیوزیلند
۸/۹	۱۵/۵	۳/۸	۶/۶	آرژانتین
۴	۷	۳/۳	۵/۷	برزیل
۱/۱	۲	۴/۶	۷/۹	چین
۲/۴	۳/۳	۳/۶	۴/۹	هند
-۰/۴	۱/۴	-۰/۴	۱/۵	بقیه کشورهای شرق آسیا
۱۲/۲	۱۵/۲	۱۲/۳	۱۵/۳	بقیه کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب
۶/۲	۱۰/۸	۴/۴	۷/۷	اروپای شرقی و آسیای مرکزی
۴/۸	۶/۳	۲/۶	۳/۴	کشورهای جنوب صحرای آفریقا و اتحادیه گمرکی جنوب آفریقا
۴/۱	۶/۸	۶/۲	۱۰/۳	بقیه جهان
۳/۶	۵/۵	۴۱/۲	۶۳/۴	کشورهای کم‌درآمد و دارای درآمد متوسط
-۱۲/۶	-۱۱/۲	-۵۳/۷	-۴۷/۷	کشورهای پردرآمد
-۰/۸	۱	-۱۲/۵	۱۵/۷	کل جهان
۷/۷	۱۰/۸	۲۷/۹	۳۹/۱	گروه Cairns

زبر و گندم، ۷۷- درصد برای گوشت گاو، ۸۲- درصد برای گوشت گوساله). دادوستد مواد لبنی و شکر افزایش قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. در اثر افزایش چشمگیر صادرات شکر برزیل، هند، چین و کشورهای جنوب صحرای آفریقا، این کشورها از آزادسازی تجارت شکر سود برده‌اند.

آخرین ردیف صادرات و واردات محصولات کشاورزی، به ترتیب براساس کشورهای واردکننده و صادرکننده، جالب توجه است. در بعد صادرات، ردیف مربوطه در جدول (۵)، نشان‌دهنده تعدیل‌های تولید در بخش‌های مختلف است. برای مثال، ایالات متحده براساس موافقتنامه آزادسازی چندجانبه، صادرات محصولات کشاورزی را تا سال ۲۰۱۵ به میزان ۱۶ درصد در هر سال افزایش می‌دهد؛ این در حالی است که گروه Cairns به دنبال افزایش ۲۶ درصدی است. مناطقی که افزایش صادرات در آن‌ها چشمگیرتر است عبارت‌اند از بقیه آمریکای لاتین (۳۱ درصد)، اروپای شرقی و آسیای مرکزی (۴۵/۲ درصد)، بقیه جهان (۳۶/۱ درصد)، و استرالیا-نیوزیلند (۵۸ درصد). بخشی از این رشد تجارت در حال از میدان خارج کردن صادرکنندگان اروپای غربی است که میزان محموله‌های آن‌ها کاهش ۱۴/۲ درصدی داشته است، البته عامل پیشبرنده اکثریت قاطع آن‌ها رشد اقتصادی در یک بازار کمتر منحرف شده است. در اینجا نیز بار مالی و هزینه فرصت حمایت از بخش کشاورزی، بسیار بیشتر است. در بعد واردات، قیمت‌های جهانی مواد غذایی افزایش یافته که به دلیل افزایش خودکفایی در زمینه مواد غذایی در برخی کشورهای فقیر از جمله برزیل، چین، هند، بقیه کشورهای (کم درآمد) شرق آسیا، و بقیه جهان (کشورهای غیر عضو OECD) است. در کشورهای ثروتمندتر، تأثیرات درآمد و کاهش قیمت‌های نسبی محصولات کشاورزی دیگر کشورها موجب افزایش‌های چشمگیر در واردات می‌شود. به طور کلی، وجود یک رویکرد به سبک و سیاق اجلاس «دووجه» در زمینه حذف متوازن‌تر انحرافات قیمتی محصولات کشاورزی، تجارت جهانی محصولات کشاورزی را افزایش بسیاری خواهد داد و موجب بهبود سطح زندگی اکثریت چشمگیر و محروم کشاورزان جهان خواهد شد.

یافته ۴: آزادسازی تجارت، تأثیرات چشمگیری بر قیمت‌های جهانی خواهد داشت

بیشتر بار مالی حمایت از بخش کشاورزی در دادوستد بین‌المللی مواد غذایی، ناشی از اثر آن بر قیمت‌های مواد غذایی است (جدول ۸). در حالتی که فقط تعرفه‌ها و یارانه‌های صادرات از میان می‌روند، قیمت‌های جهانی مواد غذایی در این طبقه‌بندی‌های کالایی هرگز به میزان ۱۰ درصد یا بیشتر تغییر نمی‌کند. با این حال، اگر حمایت‌های داخلی و خارجی در آن واحد حذف شوند، درصد افزایش قیمت‌های جهانی مواد غذایی می‌تواند تا سال ۲۰۱۵ حداکثر به میزان دو درجه بزرگی برسد. برای مثال، قیمت‌های دام به میزان نیم درصد کاهش خواهد یافت، البته به شرطی که انحراف‌های خارجی از بین برود؛ این مساله نشان می‌دهد که الگوی فعلی سیاست خارجی برای حرکت به سوی این بخش، مانع از عرضه محصولات در بازارهای جهانی می‌شود. با این حال، اگر حمایت‌های داخلی از بین برود، افزایش ۱۸ درصدی قیمت‌های جهانی لازم است، تا این نقیصه را جبران کند و تعادل را به بازارهای جهانی گوشت گاو بازگرداند. بدیهی است که این مساله به علت حمایت‌گرایی مرسوم یا ترویج صادرات نیست که بزرگترین عامل کارکرد نامناسب در بازارهای کشاورزی امروزین هستند، بلکه عامل اصلی، حمایت مستقیم از تولید کننده است. در این پروژه مشخص شد که گرچه قیمت‌های جهانی مواد غذایی به طور قابل توجهی افزایش می‌یابند، ولی شرایط کلی تجارت برای کشورهای در حال توسعه بهبود می‌یابد.

یافته ۵: آزادسازی تجارت کالاهای کشاورزی بر ارزش افزوده در بخش‌های کشاورزی سراسر دنیا اثر خواهد گذاشت

جدول (۹) نشان می‌دهد که افزایش قیمت محصولات کشاورزی، درآمد کشاورزانی را بالا می‌برد که بیشتر بدون حمایت فعالیت می‌کردند. در این میان، بازرگانان بزرگ، کشاورزان اروپای غربی و مناطق پردرآمد آسیا (عمدتاً ژاپن) خواهند بود که از پشتیبانی یک سلسله سیاست‌های حمایتی برخوردارند. در مقابل، کشاورزان کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط از سود سرشاری بهره‌مند خواهند شد. ارزش افزوده به میزان ۵/۵ درصد (حذف تمام حمایت‌ها) و ۳/۶ درصد (حذف حمایت مرزی) افزایش خواهد یافت. در واقع، سیاست‌های کشاورزی کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، نشان‌دهنده اعمال یک مالیات بسیار سنگین بر کشاورزی کشورهای در حال توسعه است. حذف تمام یارانه‌های این کشورها، ارزش افزوده در مناطق روستایی کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط را به میزان بیش از ۶۰ میلیارد دلار (در سال، نه در مجموع) بالا خواهد برد. این رقم، بالاتر از کل کمک‌های مالی به منظور توسعه است. بر خلاف کمک‌های مالی توسعه‌ای از راه‌های مرسوم، درک ضرورت کاهش فقر نیز صرفه‌جویی‌های چشمگیری را برای مالیات‌دهندگان در کشورهای عضو سازمان مذکور در پی خواهد داشت.

۴. نتیجه‌گیری

بار مالی ناشی از انحرافات ایجاد شده در اثر محدودیت تجاری در بخش کشاورزی، چشمگیر است. هزینه آن‌ها برای مالیات‌دهندگان کشورهای توسعه یافته، بسیار بالاست. به نظر می‌رسد حمایت‌های کنونی از بخش کشاورزی در کشورهای پردرآمد موجب کاهش شدید تولید و درآمد خانوارهای روستایی کم‌درآمد در سراسر کشورهای در حال حذف این حمایت‌ها، به جابجایی‌های چشمگیری در تخصیص منابع مالی داخلی و بین‌المللی خواهد انجامید و به سود کشورهای فقیر خواهد بود. بنابراین سیاستگذاران کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه با یک وضع بسیار وخیمی مواجه‌اند. آن‌ها نخست درآمد کشاورزان در کشورهای فقیر را با هزینه بسیار بالایی به زیان مالیات‌دهندگان کاهش می‌دهند. سپس کمک‌های مالی برای توسعه را با هزینه بالا فراهم می‌کنند که دوباره از جیب مالیات‌دهندگان تامین می‌شود.

عنصر دیگری که توجه به آن ارزشمند است، این نکته است که تمام شاخص‌ها نشان می‌دهند که کشورها در مسیر افزایش سریع صادرات قرار دارند و نیز نمایان دارند که عملکرد رشد خود را در مجموع بالا ببرند. آزادسازی تجارت در کالاهای کشاورزی نوعاً مزایایی را در بر دارد که بسیار فراتر از بخش کشاورزی است. حذف حمایت‌های کشاورزی در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، یک کاتالیزور نیرومند برای کاهش فقر در جهان خواهد بود. امروزه این سیاست‌ها ارزش افزوده در مناطق روستایی کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط را به میزان بیش از ۶۰ میلیارد دلار (در سال، نه در مجموع) کاهش می‌دهند. این در حالی است که میزان کمک‌های رسمی خالص به کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۰۱ در سطح ۵۵ میلیارد دلار بوده است.

* منبع:

Luc De Wulf, «Trade in Agriculture Issues and WTO Agenda» (in: Asian Productivity Organization Seminar on Promoting Domestic and International Markets for Agricultural Products, Jogjakarta, september 2-6, 2002)